



ماه نامه فرهنگی وطن یوبولی | سال هفتم | ۸ صفحه

یادآوری حدود آذربایجان

## باکو آذربایجان نیست

صفحه دو

شماره دوم در بند منتشر شد

## عباس میرزا و آذربایجان



صفحه آخر

دستخطی از نایب‌السطنه عباس میرزا

# آذربایجان چشم پرنور ایران است

دکتر **حمید احمدی** استاد دانشگاه تهران:

## باکو دشمن ایران است

# عبور علی‌اف از خط قرمز ایران

منصور حقیقت‌پور در گفتگو با تلویزیون ترکیه‌ای:

# باکو دشمنان ایران را به منطقه آورده است

برین گونه سازیم آیین و راه

## «جنبش حسینیون»

## قائل به تمدن ایرانی-اسلامی است

کسی از این سخنان مطلع نمی‌شد؟ مجدد تاکید می‌کنم که عده‌ای که منافع‌شان در همراهی با باکو است، اجازه نمی‌داند کسی اطلاع پیدا کند. وی ادامه داد: پس این سخنان به هیچ عنوان تازه نیست، هرچند تا حدی تندتر شده است. شاید حتی افراد ایران دوست در آذربایجان نیز این کلمه جعلی را پذیرفته باشند که نه منبای تاریخی و نه منبای حقوقی دارد چراکه از کودکی چنین موضوعات بی‌اساسی رایاد می‌دهند که بخشی از کشور شما که «آذربایجان جنوبی» نام دارد توسط ایران «شغال» شده است. در ماه‌های اخیر اما به یکباره مردم و گروه‌های مختلف در ایران شروع به شنیدن این سخنان کرد و عکس‌العمل نشان دادند. بنابراین قبلا هم این حرف‌ها و شستشوی مغزی بود ولی در داخل ایران کسی متوجه نمی‌شد و برای همین بود که اگر در زمان استقلال آذربایجان، شاید ۹۰ درصد مردم این کشور دوستدار ایران بودند اما این تبلیغات که سالیان سال توسط ترکیه و اسرائیل ادامه داشته، امروز فضایی را به وجود آورده که آن رقم به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است.

**آذربایجان تلاش می‌کند پای ترکیه را به منطقه باز کنند**

محمداف در پاسخ به این سوال که با توجه به حمایت و پدروخواندی آنکارا از علی‌اف، نقش ترکیه در تند شدن محسوس مواضع آذربایجان در قبال ایران تا چه میزان بر این روند تاثیرگذار بوده است، گفت: بارها در خصوص راه توراتی یا آنچه من راه انگلیسی-صهیونیستی می‌نامم، گفته‌ایم که باید از زنگرور عبور کند و ترکیه در این موضوع مانند اسب تروای انگلیس است تا اروپای غربی را به چین برساند و زیر نظر انگلیس باشد، این یک واقعیت است. من به یاد دارم که جنگ تازه شروع شده بود، نقشه را در دست می‌گرفتیم و در جلسات مختلف توضیح می‌دادیم که این جنگ قره باغ برای آذربایجان نیست و کاملا حساب شده و علیه ایران است و حتی آن زمان گفتیم که می‌خواهند مرز ایران را بگیرند. بحث دوم، خیال‌شان راحت شده که با این مساله حل شود، پای ترکیه را باز می‌کند چراکه ترکیه عضو ناتو است و آن‌ها می‌توانند بسیار گستاخانه‌تر در قفقاز عمل کنند. روسیه هم سرش در اوکراین گرم است که ما آن زمان حتی جنگ اوکراین را نیز پیش‌بینی کرده بودیم. هر اقداسی که علیه ترکیه شود، سریع ماده ۵ ناتو فعال شده و به جنگی علیه کل ناتو تعبیر خواهد شد و آن زمان است که تسلیحات به سمت آذربایجان سرازیر خواهد شد و در این زمان نیروهای تکفیری که در همه این مدت در داخل کشور حضور داشتند، فعال خواهند شد و علیه ایران عملیات خواهند داشت و مرحله سوم این نقشه تجزیه جمهوری اسلامی ایران است.

همیشه موشک کارساز نیست، گاهی باید پایگاه اجتماعی تقویت شود

مسئول مرکز مطالعات آذربایجان وابسته به مقاومت اسلامی حسینیون در پاسخ به این سوال که اقدام احتمالی بعدی تهران در قبال باکو چه خواهد بود و امکان ایجاد یک درگیری نظامی هرچند محدود میان دو کشور تا چه میزان محتمل است، گفت: جمهوری اسلامی ایران باید قاطعیت به خرج دهد چرا که این‌ها خیلی خیال‌شان راحت شده که با این تحولات اخیر، ایران از هم خواهد پاشید و تجزیه خواهد شد. ما تفکری در جمهوری آذربایجان داریم که نامش را «تفکر حسینیون» گذاشته‌ایم؛ این فکر قائل به تمدن ایرانی- اسلامی است که دین تمدنی و دین مذهبی دارد که باز است و سیستم فکری منسجمی دارند که باید تقویت شوند. متأسفانه لای کشیف‌الهام علی‌اف در جمهوری اسلامی ایران به شدت با این تفکر مخالفت می‌کند و این‌ها را تخریب می‌کنند و گزارش‌های دروغ می‌دهند.

شیخ اورخان محمداف در گفتگو با خبرنگار ایلنا، در تحلیل روند افزایش تنش در روابط ایران و جمهوری آذربایجان گفت: در گذشته جمهوری آذربایجان برای جمهوری اسلامی ایران اولویت نداشت؛ به همین علت است که رژیم صهیونیستی توانست در این کشور نفوذ پیدا کرده و حتی بین مردم برای خودش پایگاه اجتماعی درست کند. مدتی قبل نکته‌ای عرض کردیم که جمهوری اسلامی باید دیپلماسی عزت را در قفقاز پیش بگیرد. در همه دنیا به ویژه در قفقاز، به قدرت احترام می‌گذارند، اگر شما قدرت داشته باشید، پس حق هم هستید؛ این یک واقعیت است و اگر به تاریخ قفقاز نگاه کنیم، این یک واقعیت است.

**در مدارس آذربایجان با توهین به ایران روی مغز نوجوانان کار می‌کنند**

وی ادامه داد: در ماه‌های اخیر شاهد بودیم که جمهوری اسلامی ایران تا حدودی سیاست‌های پیشین خود را تغییر داده و که از آن جمله می‌توان به رزمایش‌های اخیر و بیانات متین نهادهای مسئولان ایران اشاره کرد. من می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که آیا این تاثیر داشته یا خیر، شاید برخی فکر کنند این موجب شده تا الهام علی‌اف رفتارش گستاخانه‌تر شود در حالیکه قبلا هم به همین شکل بود. قبلا هم مسئولان جمهوری آذربایجان به مسئولان ایران توهین می‌کردند اما متأسفانه لابی قوی الهام علی‌اف اجازه نمی‌دادند تا در داخل ایران کسی از این اظهارات خصمانه مطلع شود و بفهمند در آذربایجان چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. در مدارس از آغاز و از کلاس اول توهین به ایران و ادعاهای تجزیه‌طلبانه را مطرح می‌کنند و روی مغز نوجوانان کار می‌کنند.

محمداف افزود: جمهوری اسلامی ایران رزمایش انجام داد و بعد مسئولان ایران بیانات متنیی فرمودند. این روزها عده‌ای در آذربایجان از مسئولان احزاب دعوت کردند که ببایید جلوی سفارت ایران تظاهراتی علیه ایران راه بیندازیم و از تجزیه‌طلبان پان‌ترک ایرانی حمایت کنیم. عجیب این است که در این زمان عده‌ای از بین خودشان عنوان کردند که شما با چه کسی می‌خواهید بجنگید؟! شما واقعا می‌خواهید با ایران قدرتمند بجنگید؟! ما تا حالا این حرف‌ها را نشنیده بودیم و اینگونه ترسی در میان کسانی که می‌خواستند علیه ایران تظاهرات کنند، ایجاد شد. عنوان شد که رزمایش ارس را دیدید؟ می‌بینید که پهبادهای ایرانی در اوکراین چگونه عمل می‌کنند! شما واقعا می‌خواهید با ایران بجنگید؟! همین موضوع سبب شد که نخستین فراخوان‌دهنده تجمع مقابل سفارت ایران در این تجمع شرکت کرد و ۱۰ تا ۱۵ سالمدن در این تجمع شرکت کردند. همین نشان می‌دهد دیپلماسی عزت چه نتایجی دارد و جواب می‌دهد.

**عده‌ای اجازه نمی‌داند اظهارات خصمانه علی‌اف اطلاع پیدا کند**

این تحلیل‌گر حوزه قفقاز در پاسخ به این سوال که باکو در ماه‌های اخیر همواره تلاش کرده بود تا اظهارات خصمانه و ادعاهای بی‌اساس علیه تهران از زبان رسانه‌ها یا نمایندگان مجلس این کشور مطرح شود و همواره بر روابط خوب دو کشور تاکید داشتند اما الهام علی‌اف در اجلاس سران کشورهای ترک زبان از هموطنان جدا شده از آذربایجان نام برد، این گستاخی جدید که مستقیما از زبان رئیس‌جمهور آذربایجان مطرح شده آغاز چه سیاستی است، گفت: این سخنان علی‌اف سخنان تازه‌ای نیست؛ زمانی که رئیس‌جمهور آذربایجان به این سمت انتخاب شد گفت که من تنها رئیس‌جمهور ۱۰ میلیون نفر نیستم بلکه من رئیس‌جمهور ۵۰ میلیون نفر هستم. از همان زمان هم در رسانه‌ها و تریبون‌های رسمی از عنوان جعلی «آذربایجان جنوبی» استفاده می‌کردند ولی چرا در ایران

## خود کرده‌را تدبیر «چیست»؟

است. در وقایع اخیر شرایطی پدید آمد که شهروندان مقابل یکدیگر موضع‌گیری کردند و ایرانی علیه ایرانی نوشت و سخن گفت و دشمنان ایرانی خرسند از این موقعیت به پایکوبی و جوسازی پرداختند و تلاش کردند میان ایرانیان تفرقه بیناندازند و علی‌ال‌غایق سلاح به داخل ایران و مسلح نمودن معترضان سخن گفتند تا بتوانند چرخه خشونت را تشدید کنند و بر این شکاف‌ها سوار شوند و بهره‌برداری خود را کنند. خطاها در مدیریت اتفاقات دوماه گذشته را می‌توان بیشتر فهرست کرد اما نکته کلی این است که «نظام تدبیر» در جامعه ما مختل است و تو گویی هیچ یک از مسئولان وظیفه خود را به درستی انجام نمی‌دهد و یا درک درستی از وظایف خود ندارند. سرکوب اعتراضات و استفاده از قوه قهریه آخرین و بدترین نوع مواجهه با مسائل اجتماعی است و همانگونه که شاهد هستیم چرخه خشونت و التهاب در جامعه را تشدید می‌کند به قول معروف گرهی که با دست باز می‌شود را نباید با دندان باز کرد. کاهش اعتماد عمومی به نهادهای و رسانه‌های رسمی نیز از رویدادهای ناگوار و خطرناک جامعه است که زمینه را برای حضور و نفوذ رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه نظیر سعودی اینترنشنال و صدای آمریکا و بی‌بی‌سی فارسی و... فراهم کرده است و چه کسی است که نداد سعودی و انگلیس و آمریکا و اسرائیل خیرخواه ایران و ایرانی نیست و جز به نابودی و تجزیه و اضمحلال ایران رضایت نخواهد داد. اما متأسفانه عدم تحمل صداهای متفاوت در رسانه‌های داخلی منجر به این شده که برخی از شهروندان ایرانی برای شنیدن صدایی متفاوت به این رسانه‌های متوسل شوند حال آنکه اگر با تحمل و تساهل اجازه داده شود که رسانه‌های داخلی منتقد و مستقل به فعالیت بپردازند قطعاً مرجعیت رسانه‌ای برخی از شهروندان به خارج از کشور منتقل نخواهد شد و رسانه‌های داخلی نیز طبیعتاً دلسوز و خیرخواه جامعه خود هستند و هرگز مانند این رسانه‌های بیگانه بر طبل خشونت و تجزیه نخواهند کوبید. تک صدایی در رسانه ملی نیز از عوامل کاهش اعتماد عمومی به این رسانه است حال آنکه اگر رسانه ملی در انعکاس افکار و اخبار با سعه صدر و فکری بازتر عمل می‌کرد هم مخاطب بیشتری کسب می‌کرد و هم مرجعیت رسانه‌ای بیشتری داشت اما متأسفانه وقتی در عرصه ورزشی که طبیعتاً حساسیت کمتری دارد فردی چون عادل فردوسی‌پور تحمل نمی‌شود نمی‌توان از صداوسیما توقع داشت که در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی نیز عرصه را برای امثال فردوسی‌پورها باز کند و اجازه دهد با دید کارشناسی و علمی و منطقی همه دیدگاه‌ها از این تریبون بهره‌مند شوند. در واقع مقصر و مسبب اصلی و اولیه اینکه رسانه‌های بیگانه در کشورمان مخاطبی پیدا کرده‌اند خودمان هستیم و اگر به درستی تدبیر و مدیریت می‌کردیم هرگز بیگانه نمی‌توانست ما را مدیریت کند بی‌تدبیری خودمان او را جسور و گستاخ و مدبر کرده است.

**چه باید کرد؟**

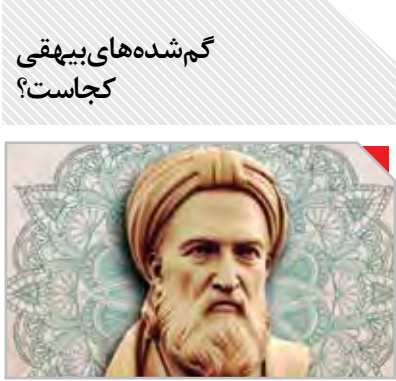
هر چند کارگزاران کنونی دولتی از ظرفیت و دانش و تدبیر لازم برای اتخاذ تصمیمات درست و مدبرانه به دور هستند اما امید می‌رود با کاهش التهابات اجتماعی صاحبان تدبیر به نواقص موجود بیایندشند و برای افزایش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی و نیروی انتظامی و صداوسیما و سایر نهادهای داخلی زمینه مشارکت افکار و سلیقه‌های متفاوت در سیاست و اجتماع و رسانه را فراهم کنند و به کاهش شکاف‌های اجتماعی کمک کنند. چنانچه اعتماد عمومی آسیب خورده ترمیم شود هرگز رسانه‌های بیگانه نخواهند توانست افکار عمومی را مدیریت کنند و گروهک‌های تروریستی نخواهند توانست لایه لای التهابات اجتماعی به صحنه گردانی و بازیگری بپردازند اما با ادامه این روند هربار و با هر حادثه‌ای امکان تکرار حوادث مشابه وجود خواهد داشت و چرخه خشونت نیز بر کاهش روزافزون اعتماد اجتماعی دامن خواهد زد.



داوددشتبانی

مرگ ناگهانی زنده یاد مهسا امینی در هنگامی که در بازداشت نیروی انتظامی بوده و برای جلسه توجیهی به مقر پلیس امنیت اخلاقی منتقل شده بود منجر به اعتراضات و اتفاقات ناگواری در دوماه اخیر شده است. این اعتراضات که در ابتدا به شکل آرام و مدنی مقابل بیمارستان کسری و از همان شب مرگ مهسا آغاز شد و رفته رفته ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و با گسترش اعتراضات خیابانی به شهرهای مختلف به خشونت کشیده شد و با اقدامات تروریستی داعش و گروهک‌های تجزیه‌طلب و همچنین اقدامات خصمانه دشمنان ایران پیوند خورد.

هر چند اتفاقات مشابه در کشورهای مختلف دنیا نیز سابقه داشته و به طور مثال مرگ جورج فلوید سیاهپوست آمریکایی نیز منجر به اعتراضات گسترده در این کشور شد و با سرکوب و برخورد پلیس مواجه شد اما وقتی مسئولان ما به گفته خود از تلاش کشورهای بیگانه برای مدیریت افکار عمومی و آسیب زدن به امنیت و استقلال کشورمان آگاه هستند ضرورت دارد با تدبیر و درایت بیشتری موارد این چنینی را مدیریت کنند. سیاست شکست‌خورده گشت ارشاد از سال‌ها پیش مورد انتقاد جامعه‌شناسان و حقوق‌دانان و رسانه‌ها و اقبشار مختلف دیگر بوده و روند تغییر پوشش در سطح جامعه نیز نشان داده که این سیاست نتوانسته هیچ تاثیری در مقابل این روند داشته باشد و با این وجود امرار مسئولان امر بر ادامه این سیاست شکست‌خورده و هزینه‌زا امری عجیب و غیرقابل فهم است. در حالی که موارد دیگری از برخورد‌های مشابه در ماه‌ها و سال‌های گذشته موجب چریخه‌دار شدن وجدان عمومی شده بود سیاستگذاران و مسئولان امر باید پیش‌بینی چنین اتفاقاتی را کرده و تجدیدنظر لازم را در این زمینه انجام می‌دادند. ماه‌ها پیش تصویر زنی که دخترش توسط گشت پلیس امنیت اخلاقی دستگیر شده و با فریاد اینکه دختر من مریض است رهایش کنید تلاش می‌کرد مانع حرکت خودرو پلیس شود میلیون‌ها بار در شبکه‌های اجتماعی دیده شد و یا فیلم دیگری از پرت شدن زنی به کف خیابان که باز در تلاش برای ممانعت از حرکت خودرو ون پلیس است افکار عمومی را برای چنین واکنشی آماده کرده بود. حتی پس از مرگ مهسا نیز مسئولان امر می‌توانستند با تدبیری از چریخه‌دار شدن افکار عمومی جلوگیری کنند. وزیر کشور به عنوان مسئول مستقیم امنیت داخلی و همچنین نیروی انتظامی می‌توانست با حضور در بیمارستان کسری ضمن دلجویی از خانواده اصیل و ایراندوست و فرهنگی امینی و همچنین از شهروندان و رسانه‌های حاضر قول بگیرد این حادثه تا روشن شدن ابعاد مساله و حتی از تعلیق موقت چند مسئول و افسر و مامور پایگاه مربوطه تا روشن شدن تقصیر احتمالی خبر می‌داد. دلجویی و حضور و پاسخگویی سایر مقامات دولتی هم چون سخنگوی دولت و یا مشاور اقوام و مذاهب رئیس‌جمهور که از فضا همشهری مهسا امینی و خود از روحانیان اهل سنت است می‌توانست در کنترل حادثه نقش موثر داشته باشد که با تاسف فراوان این مقامات یا هرگز با افکار عمومی به درستی سخن نگفتند و یا اینکه هفته‌ها بعد و پس از شعلهور شدن حادثه فعال ابعاد مساله را بدهد و حتی از تعلیق موقت چند مسئول و افسر و مامور پایگاه عمومی قرار نگرفت چرا که اصل پیام معترضان به درستی درک نشد و برخورد‌ها و پاسخ‌ها و برنامه‌های متعدد صداوسیما نتوانست به اقتناع افکار عمومی منجر شود و متأسفانه تاکنون وضعیت غیرعادی در جامعه ادامه پیدا کرده و زمینه حضور گروهک‌های تروریستی و بهره‌برداری آنها از شرایط التهاب جامعه را فراهم کرده



گفته می‌شود آن‌چه امروز به‌عنوان تاریخ بیهقی به دست ما رسیده، بخش کوچکی از کل اثر اوست؛ به‌گونه‌ای که حتی از داشتن نام واقعی آن محروم مانده‌ایم. با این حال آیا از میان دستنویس‌های بسیار این کتاب، دستنویسی هست که بخش‌های گم‌شدهٔ این کتاب را داشته باشد؟ نخستین روز از آبان‌ماه، روز ملی بزرگداشت ابوالفضل بیهقی، خالق تاریخی‌ست که اهمیت چندگانهٔ آن سبب شده معاندان و موافقان هر دو با این کتاب سروکار داشته باشند؛ تا جایی که به دلیل برخی تلاش‌های مغرضانه تنها بخشی از کتاب سر از حوایق ایام به سلامت برده که همان بخش هم‌قرن‌ها از دسترس تاریخ‌نگاران به دور بوده‌است. این درحالی است که بنا بر مدارک موجود، بیهقی چند اثر مشخص به فارسی داشته که مهم‌ترین و نامورترین آن‌ها البته تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی است. کتاب تاریخ بیهقی از حوادث مربوط به سال ۴۰۹ در زمان سلطنت محمود آغاز شده و تا زمان سلطان ابراهیم و کمی پیش از درگذشت مؤلف (۴۷۰) یعنی شرح حدود نیم قرن از تاریخ غزنویان ادامه یافته‌است. آنچه اکنون از تاریخ بیهقی

بر جای مانده است، با برگ‌هایی از مجلد پنجم کتاب آغاز می‌شود و با مجلد هم پایان می‌یابد. بنابراین باقی آن در گذر زمان از میان رفته‌است. چنانکه شادوران سعید نفیسی در پژوهشی خود دربارهٔ این کتاب با عنوان «آثار گمشدهٔ ابوالفضل بیهقی» نشان داده‌است، برخی مؤلفان، …از بخش‌های گم‌شدهٔ تاریخ بیهقی استفاده کرده بودند. یعنی با وجود گفتهٔ ابوالحسن بیهقی در تاریخ بیهقی دربارهٔ تاریخ بیهقی که می‌نویسد: «وَأَن هَمَانَا سِی مَجْلِدُ مَنصَفِ زِیَادَتِ بَاشَد، اَز آن مجلِدی چَند در کتَابخَانَهٔ سَرخَس دِیدِم و مَجلِدی چَند در کتَابخَانَهٔ مَهد عِرَاق… و مَجلِدی چَند در دِست هَر کِسی و تَمَام نَدِیدِم»، ولی به هر روی، این کتاب تا میانهٔ سدهٔ هشتم ق تمامی وجود داشته‌است. آیا از میان دستنویس‌های بسیار این کتاب، دستنویسی هست که بخش‌های گم‌شدهٔ این کتاب را داشته باشد؟ در غیر این صورت، پرسش نگارنده این است که: چگونه ممکن است از کتابی که تا میانهٔ سدهٔ هشتم ق همهٔ آن هر چند پراکنده موجود بوده‌است، از مجلدات پنجم تا دهم آن این همه دستنویس باقی بماند، ولی دیگر مجلدات آن به کلی از دست بروند؟»



نظام ویزا در مورد جمهوری آذربایجان اعمال شود

# عبور علی‌اف از خط قرمز ایران

قلمداد کرد.» سیف‌الدینی توضیح داد: «متمم کردن یک کشور خارجی به مداخله در عملیات تروریستی اتهام جدی است و به‌رغم اینکه بیش از دو روز از این اتهام ایران زمان گذشته، آنها این اتهام را تکذیب نکردند. بنابراین می‌توان گفت که تهدیدهای لفظی از طرف هیات حاکمه باکو علیه ایران با اقدام اخیرشان مطابقت دارد.»

به گفته پژوهشگر مسائل قفقاز، باکو به دنبال تهدیدهای جدی و انجام مانور از سوی ایران در مرزهایش از تحقق پروژه دالان تورانی ناتو بازماند و بنابراین تغییر لحن فعلی آنها به این دلیل است. وی افزود: «در واقع این پروژه به دنبال هشدار ایران و کشورهای اروپایی متوقف شد و به همین دلیل باکو الان به عملیات ایذایی روی آورده است.» سیف‌الدینی همچنین در مورد سناریوهای پیش‌روی بحران ایران و آذربایجان توضیح داد: «گزینه نظامی خیلی محتمل نیست زیرا جنگ بر سر دالان تورانی ناتو بود و آن اکنون منتفی شده است.» این کارشناس درباره اتهام دست داشتن باکو در عملیات تروریستی علیه غیرنظامیان در قلب ایران و شیراز با اشاره به اینکه این موضوع بسیار مهم است، تاکید کرد: «در واقع اکنون دامنه تهدید باکو از نوار مرزی به شیراز یعنی جنوب ایران رسیده است.»

روابط علیه همسایه دیگر نیست.» سخنگوی وزارت امور خارجه رزمایش اخیر در مرزهای ارمنستان و جمهوری آذربایجان را اقدامی معمول و برنامه‌ریزی شده خواند که از مجاری رسمی نیز قبل از برگزاری به اطلاع همسایگان ذی‌ربط رسیده است. وی پیش‌تر نیز این مساله را اعلام کرده بود.

همچنین کنعانی با اشاره به سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در قبال مناقشه طولانی دو همسایه شمالی در منطقه قریب‌تاکید کرد: «ایران همواره بر حفظ تمامیت ارضی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین جمهوری‌های ارمنستان و آذربایجان، با رعایت حق و در چارچوب حقوق بین‌الملل تاکید کرده و از این رو اشغال سرزمین‌های آذربایجان را محکوم و از آزادسازی آن در بالاترین سطوح حمایت کرده‌است.» کنعانی در عین حال گفت که دلایل نگرانی آذربایجان از دیدارهای معمول در سطوح همسایگی با کشور مقابل قابل درک نیست.

برای بررسی اظهارات اخیر علی‌اف باید به بیانیه اخیر وزارت اطلاعات درباره حمله تروریستی به حرم شاهچراغ (ع) توجه داشت. در این بیانیه با اعلام اینکه تاکنون ۲۶ تروریست تکفیری دستگیر شده‌اند، آمده است: «عنصر اصلی هدایت و هماهنگ‌کننده عملیات در داخل کشور، تبعه جمهوری آذربایجان بوده است.» همچنین طبق این بیانیه این عنصر هماهنگ‌کننده عملیات از فرودگاه بین‌المللی حیدرعلی‌اف در باکو پرواز و از مرز هوایی فرودگاه امام خمینی (ره) وارد کشور شده است.

سالار سیف‌الدینی، پژوهشگر ارشد قفقاز جنوبی به روزنامه «دنیای‌اقتصاد» گفت: «در حالی که جمهوری آذربایجان هنوز اتهام دست داشتن در حمله به حرم شاهچراغ را رد نکرده است صحبت‌های علی‌اف را باید به نوعی ادامه این تهدیدها



اظهارات جدید الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان درباره رزمایش ارس بار دیگر مساله تنش‌ها بین باکو و تهران از یکسو و باکو و ایروان را از سوی دیگر برجسته کرده است؛ سخنانی تهدیدآمیز خطاب به ایران و ارمنستان.

رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در مراسم روز پیروزی این کشور مدعی شد که برگزاری رزمایش‌ها در مرز جمهوری آذربایجان موجب ترس باکو نخواهد شد. اشاره علی اف به رزمایش ارس است که اخیرا در مرزهای شمالی کشور برگزار شد؛ این رزمایش سه روزه و بزرگ اقتدار نیروی زمینی سپاه از ۲۵ مهر ماه در منطقه عمومی ارس برگزار شد. در این رزمایش برای نخستین‌بار جمهوری اسلامی توانست روی رودخانه مرزی ارس، پل شناور ایجاد و انتقال سلاح و ادوات نظامی را به آن سوی رودخانه تمرین کند. همچنین موشک‌های نقطه‌زن فتح ۳۶۰ با دوربرد ۱۲۰ کیلومتر هم از دیگر سلاح‌های نظامی بود که در این رزمایش مورد توجه قرار گرفت.

رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان روز سه‌شنبه در مراسمی به مناسبت پیروزی این کشور در جنگ با ارمنستان در شهر «شوشا» گفت: «هیچ کس نمی‌تواند ما را بترساند.» به گزارش خبرگزاری ترند نیوز، علی اف ادامه داد: «ما در حال تقویت ارتش خود هستیم و به تقویت آن ادامه خواهیم داد. ارمنستان باید درک کند که این سیاست ماست. ما از هیچ‌کس نمی‌ترسیم.

اگر از کسی می‌ترسیدیم، هرگز جنگ دوم قره باغ را شروع نمی‌کردیم، تک‌تک ما آماده مرگ بودیم.

بیا تا جهان را به بد نسپريم

پاسخ نمایندگان مجلس به اظهارات علی‌اف؛

# پارا از گلیمت فراتر نگذار!



در پی اظهارات الهام علی‌اف درباره آذری‌های ایران در نشست سمرقند اجلاس سران کشورهای ترک‌نماینندگان مجلس از جمله نمایندگان استان‌های آذری‌زبان در نشست علنی یکشنبه ۲۲ آبان ماه، به اظهارات او واکنش نشان دادند.

الهام علی اف رئیس جمهوری آذربایجان در ادامه لفاظی‌ها علیه ایران در سخنانی تامل برانگیز در نهمین اجلاس سران سازمان کشورهای ترک در ازبکستان، گفت که کشورش تلاش می‌کند تا کسانی که به سرنوشت تلخ از کشور آذربایجان جدا شده اند، به اندیشه آذربایجانی وفادار بمانند.

سید البرز حسینی نماینده مجلس در خطاری با استناد به اصل ۱۵۲ قانون اساسی خطاب به وزارت امور خارجه گفت: رئیس جمهور آذربایجان اظهارنظر در خصوص ممالک ترک نشین کرده که پیشنهاده من این است که وی عهدنامه گلستان را بخواند تا بفهمد کجا از کجا جدا شده‌است‌الذاین اظهار نظر‌ها در خصوص تمامیت ارضی کشورهای همسایه در شان رئیس جمهور آذربایجان نیست

نماینده مردم خدابنده در مجلس یازدهم ادامه داد: اظهارنظر رئیس جمهوری آذربایجان غیرواقعی است، اگر قرار بود که عهدنامه گلستان اجرا نشود، آذربایجان جزو ایران بود و وی به ریاست جمهوری این کشور نمی‌رسیده، لذا لازم است وزارت امور خارجه و مجلس عکس العمل راجع به اینگونه اظهار نظر‌ها داشته باشد، چرا که منطقه بیش از پیش نیاز به آرامش دارد.

علی نیکزاد نایب رئیس مجلس که ریاست جلسه علنی را برعهده داشت در پاسخ به این اخطار گفت: نوه نمی‌تواند منکر پدر بزرگ شود، بنابراین اظهارات رئیس جمهوری آذربایجان مبنايي ندارد. در ادامه محمدرضا میرتاج‌الدینی نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی گفت: در اینجا سخنی با جوانان عزیز، دانشجویان و دانش آموزان دارم در هیچ دوره ای از تاریخ ایران این میزان عظمت و شکوه را خود ندیده‌است، تاریخ ۲۵۰ سال گذشته را مرور کنید در حال حاضر ایران در هندهسه قدرت جهانی یک ضلع قوی و یک نقش آفرین موثر است. در ۸ سال جنگ تحمیلی، یک وجب از خاک کشور را به دشمن نداده ایم در حالی که در تاریخ گذشته پیمان نامه و عهدنامه های ننگینی چون عهدنامه گلستان و ترکمنچای را داریم که ۱۴ ولایت از ایران عزیز جدا شد از جمله باکو، قره باغ، ایروان و مناطق دیگر.

وی تصریح کرد: سخنی با رئیس جمهوری آذربایجان دارم، اخیر سخنی بزرگتر از دهان خود گفته‌است و گفته سرنوشت تلخ جدایی آذری از آذربایجان، چقدر این رئیس جمهور نسبت به تاریخ بی اطلاع است، دقت کنید آذربایجان از ایران جدا شد و این طور نیست که شما می‌گویید. این نکته را یادآور می‌شوم و به خوبی به خاطر بسپارید با این لفاظی‌ها مشکلی در همسایگی ما ایجاد نکنید که نیازی به لشکرهای محمدرسول الله(ص)، علی ابن ابی طالب(ع)، لشکر امام حسین(ع) باشد البته تنها لشکر عاشورا جواب شما را می‌دهد‌اگر بنا باشد کسی ملحق شود باید نخچوان به ایران ملحق شود.

در ادامه محمود احمدی بیغش در خطاری به اصول ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی اشاره کرد و گفت: این اخطار در خصوص اظهارات مداخله‌جویانه آقای علی‌اف رئیس جمهوری جمهوری آذربایجان و تداوم گستاخی‌ها و دستورات فرمایشی نمایندگان مجلس این کشور و برخی رسانه‌های متوهم جمهوری آذربایجان و همچنین تعرض به هویت ملی ایران است.

نماینده مردم شازند در مجلس شورای اسلامی افزود: متأسفانه در رخوت و سستی آزاردهنده وزارت امور خارجه و سفیر بی‌کفایت ایران در باکو و انفعال شدید دولت در مقابل زبان‌درازی‌های مقامات و رسانه‌های باکونشین، این بی‌مقداران متوهم مدتی است پا از گلیم خود فراتر گذاشته و ضمن دودین در مسائل تجزیه‌طلبانه، توهم خیالی در سر می‌پروراند.

وی ادامه داد: به عنوان نماینده مردم از رئیس جمهور آذربایجان که تک‌های از پاره تن ایران است هشدار می‌دهم از تصورات غلط و توهمات خام بیرون زد و خود را به پشتوانه های خیالی هم‌پیمانان فرصت‌طلب غربی و اسرائیل غاصب دلگرم نکند.

احمدی بیغش یادآور شد: ضمن احترام به مردم صبور و دوست داشتنی آذربایجان که همه آنها را بخشی از وجود ابدی خود می‌دانیم به برخی مسئولان این کشور به ویژه آقای الهام علی اف تذکر می‌دهم دست از بازی‌های دیکنه شده بردارد و برای مردم ستمدیده خود ارزش قائل شود و این را بداند که تمام آذری‌ها خواهران بازرگشت هموطنان تحت ستمدیده به‌آغوش ایران هستند. این نماینده مردم در مجلس یازدهم اظهار کرد: آرزوی امپراطوری عثمانی و آناتولی بزرگ را باید به گور برید، استمرار رویه‌های غلط شما ما را در جریان و الحاق فرورفتگی نقشه جغرافیایی مصمیم‌تر از گذشته خواهد نمود.

چهارمین همایش ملی میراث‌زبانی دوم اسفند ماه ۱۴۰۱ به همت پژوهشکده زبان‌شناسی، کتبی‌ها و متون بصورت حضوری و آنلاین برگزار می‌شود. «پژوهش‌های زبان‌شناختی شامل گویش‌شناسی، تنوع‌زبانی، رده‌شناسی زبان، زبان‌شناسی اجتماعی»، «کتبی‌شناسی، اعم از کتبی‌های باستانی و دوران اسلامی»، «پژوهش‌های نوین در زمینه زبان‌های ایرانی دوره باستان (فارسی باستان، اوستایی، سکاکی و مدایی) دوره میانه (شرقی و غربی) و دوران اسلامی»، «مطالعات سکه‌شناسی پیش از اسلام و دوران اسلامی»، «میراث خطی و زبانی، ابزار انتقال دانش، فرهنگ و اطلاعات تاریخی»، «زبان‌شناسی تاریخی، اسناد و مدارک تاریخی و سندشناسی متون تاریخی و مرجع در حوزه میراث زبانی»، «مطالعات تاریخی و میان رشته‌ای» و «مطالعات اسطوره‌شناسی» محورهای این همایش یک روزه است. طبق نخستین فراخوان دبیر‌خانه همایش، مهلت ارسال چکیده مبسوط (بیان مسئله، اهداف پژوهش، ارائه یافته‌ها و منابع) ۳۰ آذر ۱۴۰۱ و مهلت ارسال اصل مقالات ۸ بهمن ۱۴۰۱ است. شیوه‌اسناد به روش ارجاع‌دهی APA است و مقالات برتر در مجلات معتبر چاپ خواهند شد. سومین همایش ملی «میراث زبانی» دوم اسفندماه ۱۴۰۰ از سوی پژوهشکده زبان‌شناسی، کتبی‌ها و متون برگزار شد.



ماهنامه فرهنگی وطن بولی  
سال هفتم | شماره ۵۲ | ۸ صفحه

وطن بولی

دربارهٔ سخنان جان بولتون  
در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی؛

# هدف نابودی ایران است



دکتر سیدجواد طباطبایی

مصاحبهٔ امروز، شانزدهم آبان ۱۴۰۱ بخش فارسی تلویزیون بی بی سی با جان بولتون، مشاور امنیت پیشین ایالات متحده، در برنامهٔ خبری شصت دقیقه نمونه‌ای سخت رقت‌انگیز از تصوّر بخشی از دولتمردان ایالات متحده از ایران بود. بولتون در بخشی از مصاحبه ادعا کرد که «پوزسیسیون ایران دارد مسلح می‌شود، با اسلحه‌هایی که از پایگاه‌های سپاه گرفته، اسلحه‌هایی که دارد از عراق وارد ایران می‌شود. فکر می‌کنم که از چشم‌انداز یک تلاش سیستماتیک اپوزیسیون نه فقط اعتراض، بلکه به کارگیری روز و قوهٔ قهریه علیه حکومت است که ما دیگر غیر مسلح نیستیم، ما می‌توانیم مقابله کنیم با سپاه پاسداران.» این‌جا مجری برنامه یادآوری می‌کند که: «البته، آقای بولتون، شواهدی نداریم که نشان دهد معترضین در خیابان‌ها مسلح هستند.» بولتون در پاسخ می‌گوید: «گزارش‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، ویدئوهایی که در شبکه‌های اجتماعی هست نشان می‌دهد سلاح هست در دست اپوزیسیون، نیروهای مسلح از جلوی اپوزیسیون فرار می‌کنند، حتی تبادل آتش هم وجود

داشته.» این‌جا بار دیگر مجری می‌گوید: «هی خواهام تأکید کنم که این‌که معترضین مسلح هستند ادعای خود چ.ا. است. ما در شبکه‌ها تصویری دیدیم که گروه‌های امنیتی فرار می‌کنند، اما تا این لحظه تصویری ندیدیم که معترضان اسلحه‌ای در دستشان است.» این‌جا، بولتون متوجه می‌شود که به این آسانی سر مجری ایرانی کلاه نمی‌رود، و می‌گوید: «من تصویری از نیروهای کرد دیدم که آموزش می‌بینند، خارج از ایران در عراق.» در ادامه، بولتون جان مطلب خود را بیان می‌کند و می‌گوید: «متأسف هستم که ایران یک قانون اساسی ندارد مثل امریکا که مردم حقّ حمل اسلحه را داشته باشند و الا الآن مردم اسلحه داشتند.»(۱) اگر بولتون این عکس‌ها را در خیالات خود برای خاورمیانهٔ جدید فتوشاپ نکرده باشد، چنان‌که در عراق کردند، بر سرشان آن آمد که بر سر آن شتر آمده بود، باید چیزهایی از دوستان مجاهد خود دریافت کرده باشد که با یک مشت پسماندهای دههٔ چهل خورشیدی مشغول زرمایش‌های نظامی برای رهایی ایران از گورستان‌های البانی هستند. مستولان دولت

ایالات متحده، پس از پیروزی‌های شکوهمند در ویتنام و آسیای جنوب شرقی بر کمونیسم، و افغانستان و عراق، همین فتوشاپ‌ها را به دست ژنرال برجستهٔ آمریکایی، کالین پاول، دادند، که وزیر امور خارجه شده بود، و او، با نشان دادن آن عکس‌ها در نشست رسمی شورای امنیت سازمان ملل، اجماعی درست کرد و با این اجماع نیز ارتش چندین کشور را وارد عراق کرد. کلاهی که تونی بلر، نخست وزیر وقت بریتانیا، با تکیه بر داده‌های نادرست و دستکاری شدهٔ رسالهٔ کارشناسی ارشد یک دانشجو که ثابت می‌کرد عراق به ساخت جنگ‌افزارهای اتمی دست یافته و صلح جهانی را تهدید می‌کند بر سر بوش دوم گذاشت می‌باشست درس عبرتی شده باشد که گویا نشده است. همان زمان پاول متوجه‌شد که رامسفیلد و دیک جینتی با آبروی او بازی کرده‌اند و برای همیشه از سیاست کناره‌گیری کرد. من در آن سال‌ها در فرانسه بودم و یادم می‌آید که مسئولان فرانسوی، که عراق را بسیار بهتر از همهٔ دولتمردان و استادان خاورمیانه‌شناس آمریکایی می‌شناختند، در اتاق‌های فکر، بر مبنای داده‌های دقیقی که عراق داشتند، چرا که در جریان جنگ عراق علیه ایران میلیاردها دلار جنگ‌افزار در اختیار عراق گذاشته بودند و از طریق مشاوران نظامی خود اطلاع دقیقی از توانایی‌های عراق داشتند، به طور تلویحی می‌فهماندند که آمریکایی‌ها چز چند پیت حلیمی پیدا نخواهند کرد و تنها نتیجهٔ حمله به عراق فروپاشی استبداد صدام حسین و البته خود عراق خواهد بود. توهّم‌های آمریکایی دربارهٔ وضع عراق تنها در انحصار نوحماضله کاران نبود، بلکه حتی بسیاری از گروه‌های «چپ»آمریکایی نیز تصور روشنی از ظرایف

**اعلام فراخوان چهارمین**

**همایش «میراث زبانی»**



**دشمنانی که از خویشتنداری ایران سوءاستفاده می‌کنند**

# علی‌اف نایب شیطان اردوغان در تهدید ایران

سیاسی ایران است.

در حالی که بسیاری تحلیلگران ایرانی طی چند سال اخیر به برجسته‌سازی دشمنی و کینه‌ورزی روسیه و چین علیه ایران مشغول بوده و افکار عمومی ایران نیز به بیزاری از این دو کشور تحریک شده است، دولت اردوغان توانست بزرگ‌ترین ضربات و خسارات منطقه‌ای

را به ایران و منافع راهبردی آن وارد کند.

نگارنده در آبان ۱۴۰۰ در مقاله «دشمن اصلی تهران فعلاً دولت ترکیه است نه چین و روسیه» به صراحت دشمنی سخت و فراگیر دولت اردوغان با ایران را تحلیل کرده است. اکنون نیز می‌توان سیاست‌های شیطانی اردوغان را عامل گستاخی مجددالهام‌علی‌اف، ادعاهای جنگ طلبانه و گستاخی ولودیمیر زلنسکی و … علیه ایران محسوب کرد. گستاخی الهام‌علی‌اف، گستاخی و تهدیدات زلنسکی برای حمله به ایران، تهدید اسرائیل جهت حمله به ایران، حمایت آشکار رسانه‌های عربستان از خشونت‌ها در اعتراضات ایران و تبدیل آنها به شورش و ستیزه‌جویی داخلی و … حلقه‌ای از سیاست‌ها و اعمال شیطانی علیه ایران است که سرخ آن را در دستان، افکار و نیت اردوغان می‌توان مشاهده کرد.

شرایط داخلی ایران که طی دو ماه اخیر با اعتراضات و آشوب‌های سراسری همراه بوده، سبب شده تا برخی بازیگران منطقه‌ای مانند جمهوری آذربایجان، اوکراین، عربستان، ترکیه و … هر کدام به شیوه خاص خود به گستاخی و تهدید ایران بپردازند!

اما پیشینه گستاخی‌های الهام‌علی‌اف به ایران که ریشه در سیاست‌های تهاجمی قوم‌گرایانه اردوغان دارد، روزه‌روز تندتر می‌شود. در حالی که برخی شواهد از همدستی دولت آذربایجان با اسرائیل و گروه‌های تروریستی در اقدامات تروریستی علیه ایران حکایت دارد، الهام‌علی‌اف با حمایت پدرخوانده‌های نیرنگ‌باز خویش یعنی اردوغان و اسرائیل در حال افتادن به آتش جنگ با ایران و البته نیستی و نابودی حکومتش است.

گستاخی و زیاده‌گویی الهام‌علی‌اف که اگر ایران و تنها هم‌وطنان آذری زبان ما در ایران اراده کنند، تنها یک افسانه عبرت‌آموز از گستاخی و نابودی خاندان علی‌اف و پدرخوانده‌هایش یعنی اردوغان و اسرائیل باقی خواهد ماند، از سیاستی راهبردی از سوی رقیبان و دشمنان منطقه‌ای و جهانی ایران برای انزوای کامل و سپس تجزیه، زوال و فروپاشی ایران نشان دارد.

چندین سال است که موجی از تهدیدات و گستاخی‌ها از سوی دولت رجب طیب اردوغان و الهام‌علی‌اف، نیروی دست‌نشانده وی در جمهوری آذربایجان علیه ایران در مناسبات منطقه‌ای مشاهده می‌شود. مماشات سیاستگذاران ارشد ایرانی با رویکرد بی‌شرمانه دولت اردوغان و علی‌اف در تهدید ایران، نهایت به زیان منافع راهبردی ایران و حتی بقای ایران در نظام جهانی بوده است.

با توجه به پیام تبریک اردوغان برای بنیامین نتانیاهو برای کسب پیروزی در انتخابات اسرائیل، اردوغان امیدوار است با ورود نتانیاهو که به سیاست‌های تهاجمی علیه ایران مشهور است، تیم شیطانی ضد ایران شامل اسرائیل، آذربایجان، اوکراین، عربستان و ترکیه تکمیل و قوی‌تر شود و شرایط برای تضمین دیکتاتوری اردوغان در انتخابات سال ۲۰۲۳ ترکیه فراهم شود و مرحله نهایی سیاست ضد ایرانی که همان فروپاشی نظام و تجزیه ایران است را تکمیل کنند.

سیاستگذاران ایرانی از قدرت‌یابی و اعمال شیطانی دولت اردوغان در همسایگی خود غافل بوده‌ اند و بلکه با این شیطان همکاری نیز داشته‌اند تاکنون که دولت‌دست‌نشانده الهام‌علی‌اف به نیابت از دولت اردوغان به گستاخی و تهدید آشکار ایران بپردازد.

سیاستگذاری خارجی ایران نیاز به یک بازنگری اساسی و بازسازی ساختارها و کارگزارن خود دارد تا بتواند ضمن شناخت سیاست قدرت منطقه‌ای و جهانی، در دام نیرنگ برخی دشمنان یا شیطان‌های دوست‌نما مانند دولت اردوغان گرفتار نشود و این‌گونه مورد تهدید و گستاخی دولت‌های دست‌نشانده و فرومایه مانند الهام‌علی‌اف قرار نگیرد.



بخش مهمی از سیاستگذاری عمومی ایران طی چهار دهه اخیر به مقابله با ایالات متحده آمریکا معطوف بوده است. نام‌گذاری دولت امریکا به عنوان شیطان بزرگ که خود زیربنای سیاستگذاری عمومی، سیاستگذاری خارجی و بلکه حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده، حضور در نظام جهانی و روابط بین‌المللی را برای ایران، مین‌گذاری و پرهزینه کرده است. نظر به اینکه شیطان دانستن کشورها در نظام جهانی، مخالف اصل «دلمی بودن منافع» و این توصیه بنیادین سیاستگذاری لرد پالمستون یعنی «بدی نبودن دوستان و دشمنان و ابدی بودن منافع» است، شیطان دانستن ایالات متحده آمریکا یا شیطانک شمردن برخی دیگر از دولت‌های منطقه تنها در چارچوب الگوی سیاست خارجی خاص ایرانی قابل تحلیل است. اصغر سیاستگذاران ایرانی بر شیطان پنداشتن ایالات متحده آمریکا و مقابله با این کشور در آسیای جنوب غربی و سایر نقاط جهان حتی در قاره آمریکا که محور سیاستگذاری خارجی ایران بوده، به مرور زمان توجه و توان سیاستگذاری ایران از سایر رقیبان و دشمنان را کاهش داده و از مسیر اصلی منحرف کرده است. مسیر اصلی که نه در تقابل شیطان بزرگ، بلکه شیطان‌های کوچک یا محور شیطانی ضد ایرانی قابل مشاهده است.

دولت‌های ترکیه به‌رهبری رجب طیب اردوغان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، اسرائیل و طی چند سال اخیر دولت جمهوری آذربایجان به رهبری الهام‌علی‌اف که هر کدام به صورت جداگانه، مواقعی به صورت چندجانبه و حتی در قالب یک ائتلاف بزرگ علیه ایران و منافع راهبری ایران اقدام کرده‌اند.

در میان این شیطانک‌ها یا محور ضد ایرانی که دارای پیشینه‌ای به میزان عمر نظام جمهوری اسلامی است، دولت ترکیه و شخص رجب طیب اردوغان دارای کینه‌ای خاص از ایران بوده که با نیرنگ توانسته است این چهره شیطانی خود را پنهان کند بدترین ضربات را به ایران وارد کند!

آنچه اکنون گستاخی الهام‌علی‌اف به ایران نامیده می‌شود، در چارچوب سیاستگذاری دولت اردوغان و به عنوان یکی از پیامدهای سیاست تهاجمی قومی و زبانی دولت ترکیه قابل بررسی است. نقش شیطانی دولت اردوغان در گستاخی دولت آذربایجان و برخی دیگر بازیگران منطقه‌ای علیه ایران را در چند محور می‌توان بررسی کرد:

یکم – الهام‌علی‌اف دست‌نشانده اردوغان: تحلیل سیاست‌ها و اقدامات دولت علی‌اف طی یک دهه اخیر نشان می‌دهد که روابط اردوغان و علی‌اف را نمی‌توان در قالب روابط دو دولت یا دو رئیس جمهوری تحلیل کرد، زیرا در بازی اردوغان در منطقه، جمهوری آذربایجان به مثابه بخشی از ترکیه محسوب می‌شود و عمل می‌کند!

دوم – شیطان اصلی در همسایگی ایران: اگر چه ایالات متحده به عنوان یک ابرقدرت جهانی می‌تواند شیطان بزرگ برای ایران و یک الهه خوشبختی برای متحدینش قلمداد شود، اما دولت اردوغان را نیز می‌توان شیطان بزرگی دانست که بیش از بیست سال است با انواع دیسیسه‌ها و سیاست‌ها در حال وسوسه همسایگان و سایر بازیگران منطقه‌ای و جهانی علیه ایران و حتی سرنگونی نظام

**دولت‌های ترکیه به رهبری**

**رجب طیب اردوغان، عربستان**

**سعودی، امارات متحده عربی،**

**قطر، اسرائیل و طی چند**

**سال اخیر دولت جمهوری**

**آذربایجان به رهبری الهام‌علی**

**اف که هر کدام به صورت**

**جداگانه، مواقعی به صورت**

**چندجانبه و حتی در قالب**

**یک ائتلاف بزرگ علیه ایران**

**و منافع راهبری ایران اقدام**

**کرده‌اند.**

**در میان این شیطانک‌ها یا**

**محور ضد ایرانی که دارای**

**پیشینه‌ای به میزان عمر نظام**

**جمهوری اسلامی است، دولت**

**ترکیه و شخص رجب طیب**

**اردوغان دارای کینه‌ای خاص**

**از ایران بوده که با نیرنگ**

**توانسته است این چهره**

**شیطانی خود را پنهان کند**

**بدترین ضربات را به ایران**

**وارد کند!**

ادعاهای الحاق‌گرایانه باکو در مورد برخی مناطق شمال‌غربی ایران بار دیگر توجه تهران را به برخی نکات معطوف کرده است؛ از جمله اینکه آیا جمهوری آذربایجان به تنهایی این پروژه را دنبال می‌کند یا با همراهی ترکیه است؟ این تمایلات الحاق‌گرایانه در صحنه تاریخ به چه زمانی برمی‌گردد و سیاست جمهوری اسلامی ایران در برابر چنین پروژه خطرناکی باید چگونه باشد. دکتر حمید احمدی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در این گفتگو به بررسی تحركات اخیر رسانه‌ها و مقامات جمهوری آذربایجان علیه کشورمان پرداخت. او با اشاره به ریشه‌های تاریخی ایدئولوژی الحاق‌گرایی در جمهوری آذربایجان پس از جنگ جهانی دوم تاکید کرد که اصولا پدیده منطقه‌ای به نام جمهوری

آذربایجان محصول همان پروژه ترکستان بزرگ است که ایدئولوژی پان‌ترکیسم آن را پرورش می‌داد. دکتر حمید احمدی، استاد دانشگاه تهران در این گفتگو گفت که به هر حال باکو بازپچه دست‌اردوغان نیست بلکه خودش یک بازیگر الحاق‌گراست، دشمن ایران است و نسبت به سرزمین ایران ادعا دارد و دنبال فروپاشی یکپارچگی سرزمینی ماست.احمدی تاکید کرد در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران نباید منفعلانه عمل کند زیرا این بحث‌های الحاق‌گرایانه اصلا شوخی‌بردار نیست.به گفته این‌استاد دانشگاه، ایران باید در عین اصلاح برخی سیاست‌هایش و با تقویت قدرت اقتصادی و نظامی‌اش، به گونه‌ای ظاهر شود که طرف مقابل نتواند به‌اقدامی تهدیدآمیز علیه کشور دست بزند.

خیر گفت. دلیل این امر این است که تمام این مباحث به ظهور ایدئولوژی پان‌ترکیسم و پان‌تورانیسم در اواخر قرن ۱۹ در روسیه تزاری و سرایت آن به امپراتوری عثمانی بازمی‌گردد. سپس این ایدئولوژی به ایدئولوژی رسمی دولت عثمانی و حتی ترک‌های جوان که رویای یک امپراتوری از چین تا اروپا را در سر می‌پروراندند، تبدیل شد. آنها نام این امپراتوری خیالی را توران گذاشته بودند، بنابراین منطقه فعلی آذربایجان و مرزهای شمالی ایران جزو این سرزمین رویایی ایدئولوژی پان‌ترکیسم و پان‌تورانیسم بوده است. بنابراین امپراتوری عثمانی پایه‌گذار و مبتکر این قضیه بود ولی بعدها توسط جمهوری آذربایجان پیگیری شد. اصولا پدیده منطقه‌ای به نام جمهوری آذربایجان محصول همان پروژه ترکستان

جمهوری آذربایجان در هفته‌های اخیر دوباره پروژه جعلی الحاق بخش‌هایی از ایران به این کشور را کلید زده است؛ با توجه به تفاوت میان آذری‌ها و ترکیه‌ای‌ها تا چه حد می‌توان این پروژه را ناشی از تمایلات عثمانی‌گرایانه ترکیه محسوب کرد؟ به عبارت دیگر آیا جمهوری آذربایجان به نیابت از آنکارا درصدد پیشبرد این پروژه است؟

این دیدگاه الحاق‌گرایانه که دولت باکو در ارتباط با ایران دارد، بحث تازه‌ای نیست و فقط ممکن است اخیرا مقامات رده بالاتری مثل مقامات و رسانه‌های دولتی در جمهوری آذربایجان به این موضوع پرداخته باشند. کلا در طول سال‌های پس از استقلال، مطبوعات و رسانه‌های جمهوری آذربایجان به این مساله می‌پرداختند و این دیدگاه‌های رویایی و توهم‌آمیز یک بحث خیلی قدیمی است. این بحث‌ها حتی مربوط به دوره پس از استقلال هم نیست و پیش از آن هم وجود داشت.اما پس از استقلال به دلیل اینکه جمهوری آذربایجان از شوروی مستقل شد با دست بازتری به تنهایی این مسائل را مطرح می‌کرد.

**یعنی ترکیه هیچ نقشی در مطرح کردن این ادعاها ندارد؟**

بررسی این موضوع نیاز به تحلیل زیادی دارد و خیلی سریع و آشکار نمی‌توان به آن بله یا

## دکتر حمید احمدی استاد علوم سیاسی دانشگاه

# باکو دشمن ایران

## پدیده جمهوری آذربایجان محصول

تحولاتی که در دهه دوم قرن بیست و یکم یعنی ۲۰۱۱ به بعد رخ داد، بر مواضع ترکیه نیز اثر گذاشت.

**با توجه به بازیگری اردوغان در تشکیل سازمان دولت‌های ترک و جنگ قره‌باغ، برخی اینگونه تحلیل می‌کنند که رئیس‌جمهور آذربایجان، بازپچه اردوغان است و درواقع اهداف ترکیه را پیش می‌برد. شما این تحلیل را قبول دارید؟**

این عبارت قابل تامل است یعنی به یک مفهوم شاید علی‌اف بازیچه اردوغان و به یک مفهوم شاید خود بازیگر باشد. بازیچه از این منظر که دولت ترکیه در منطقه و جهان دولت قدرتمندی است و از نظر اقتصادی نیز وضعیت خوبی دارد. بنابراین باکو تلاش می‌کند با تکیه بر ترکیه اهداف، آرزوها و ایدئولوژی خود را محقق سازد.

اما نمی‌توان گفت که علی‌اف بازیچه صرف دست اردوغان است. زیرا همچنان که اشاره شد این قضیه سبقه تاریخی دارد یعنی علاوه بر الهام علی‌اف پدر وی حیدر علی‌اف نیز جزو بازیگران این بازی بود و حتی ۴۵ سال پیش از آن میرجعفر باقروف، رئیس حزب کمونیست باکو نیز تمایلات الحاق‌گرایانه داشته؛ بنابراین نیازی نیست که بخواهند از اردوغان خط بگیرند. همچنین اردوغان ابتدا با گرایشات اسلام‌گرایانه روی کار آمد اما در ۱۰ سال گذشته با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه اردوغان، شاهد گره خوردن رویاهای نوع‌نمائی‌گرای اردوغان با اندیشه‌های حزب پان‌ترکی ترکیه هستیم. بنابراین گاهی همکاری‌هایی بین دو طرف شکل می‌گیرد و حتی قضیه شعرخوانی اردوغان در جنگ قره باغ دوم در خصوص رود ارس جلوه‌ای از این گرایشات است.

حتی نمی‌توان دقیق اظهارنظر کرد که آیا منظور اردوغان از این شعر همان رویاهایی بوده که نخبگان باکو در ذهن داشتند یا بدون منظور این شعر را خوانده است. من با وجودی که روی این مسائل حساس هستم اما هنوز مطمئن نیستم که اردوغان عمدا این شعر را خوانده باشد. به هر حال باکو بازپچه دست اردوغان نیست بلکه خودش یک بازیگر الحاق‌گراست، دشمن ایران است و نسبت به سرزمین ایران ادعا دارد و دنبال فروپاشی یکپارچگی سرزمینی ماست. گرچه جمهوری آذربایجان کشور کوچکی است ولی خطر ناشی از آن را نباید دست کم گرفت؛ بلکه باید این چالش را جدی گرفت و با سیاست‌های خاصی با آن مقابله کرد.

بنابراین اینگونه می‌توان گفت که الهام علی‌اف با تکیه بر ایدئولوژی الحاق‌گرایانه که سابقه یک قرنی دارد، از اردوغان و حتی کشورهای دیگر در راستای اهداف خود استفاده می‌کند. ممکن است برخی از این کشورها نیز با باکو منافع مشترک و با ایران اختلافاتی داشته باشند و سعی کنند با کمک به جمهوری آذربایجان به ایران فشار آورند. بنابراین باکو بازیگر اصلی این قضیه و بازیگردان آن است.

**در چنین شرایطی ایران چگونه باید بازیگری دولت باکو را خنثی کند؟**

سیاست در جهان امروز و در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی خیلی پیچیده و چندبعدی است و باید از ابعاد مختلف در مورد چالش‌ها سیاستگذاری کرد و آنها را به مرحله اجرا درآورد.

به نظر من کشورهایی نظیر جمهوری آذربایجان که چشم طمع سرزمینی به ما دارند یا برخی کشورهایی در مناطق دیگر در حاشیه جنوبی خلیج‌فارس که ادعاهایی دارند؛ به خودی خود در مقابل ایران قدرتی نیستند اما در نظام بین‌المللی یا منطقه‌ای با توجه به واقعبات وقتی خیال می‌کنند ایران ضعیف یا منزوی است، با منطقه و جهان سر درگیری دارد، تحریم و فشار روی آن است، در چنین شرایطی شروع به طرح خواسته‌های خود می‌کنند. ایران برای مقابله با این اهداف شاید نباید مستقیما وارد درگیری شود بلکه باید در سیاست‌های خارجی و داخلی خودمان بازسازی صورت دهیم تا قدرتمند شویم. برخی می‌گویند ایران قدرتمند است و ما قدرت نظامی داریم اما قدرت، تنها قدرت نظامی نیست. در نتیجه همان‌گونه که دشمنان، یکپارچگی سرزمینی ایران را با کمک سایر قدرت‌ها نشانه گرفته‌اند و در پی رسیدن به اهداف و مطامع الحاق‌گرایانه خود هستند، ما نیز نمی‌توانیم به تنهایی به‌خصوص در شرایطی که تحت تحریم هستیم و مشکلات اقتصادی بسیاری داریم از پس آنها بر بیاییم. بنابراین باید بازسازی صورت بگیرد، ایران قدرتمند شود، اعتبار جهانی خود را به دست بیاورد، تعامل داشته باشد، مشکلات خود را با جهان حل کند و ناراضیاتی‌های مردم در داخل در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رفع شود. وقتی ایران قوی باشد و جایگاه واقعی خود را به دست بیاورد، این کشورها که چشم طمع به ایران دارند از مواضعشان عقب‌نشینی خواهند

ادعاهای الحاق‌گرایانه‌ای که عثمانی‌ها به دنبال آن هستند، تحقق پیدا نکند. همچنین اهالی نخجوان در سال ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ چندین بار به ایران طومار نوشتند که آنها به ایران ملحق شوند. اما همچنان‌که اشاره شد چون ایران دولت قوی نداشت، به این بحث‌ها رسیدگی نشد

**سقوط عثمانی چه تاثیری در دخالت ترکیه در این ماجرا داشت؟**

با سقوط عثمانی این مساله تقریبا در ترکیه به پایان رسید. پس از سقوط عثمانی، رژیم جدیدی به رهبری مصطفی کمال پاشا در ترکیه روی کار آمد که تمایلات پان‌ترکیسم نداشت و بیشتر به دنبال ناسیونالیسم ترک بود. یعنی می‌خواست در ترکیه فعلی یک وحدت و دولت مدرن ایجاد کند. ولی ایدئولوژی پان‌ترکیسم در باکو به یادگار باقی ماند؛ چون اساس موجودیت این کشور و نام جمهوری آذربایجان از این ایدئولوژی گرفته شده و بر این اساس استوار بود که بعدها آذربایجان ایران را نیز به خاک خود ملحق کنند. این مساله با گذشت زمان تبدیل به ایدئولوژی نخبگان سیاسی جمهوری آذربایجان شد که بعدها به اتحاد جماهیر شوروی و حزب کمونیست آن پیوستند. همین نخبگان این ایدئولوژی را پرورش دادند و شوروی‌ها نیز سعی نکردند که این ایدئولوژی را از بین ببرند. بنابراین ایدئولوژی به‌ایدئولوژی مطرح نخبگان آن منطقه تحت لوای حزب کمونیست تبدیل شد.

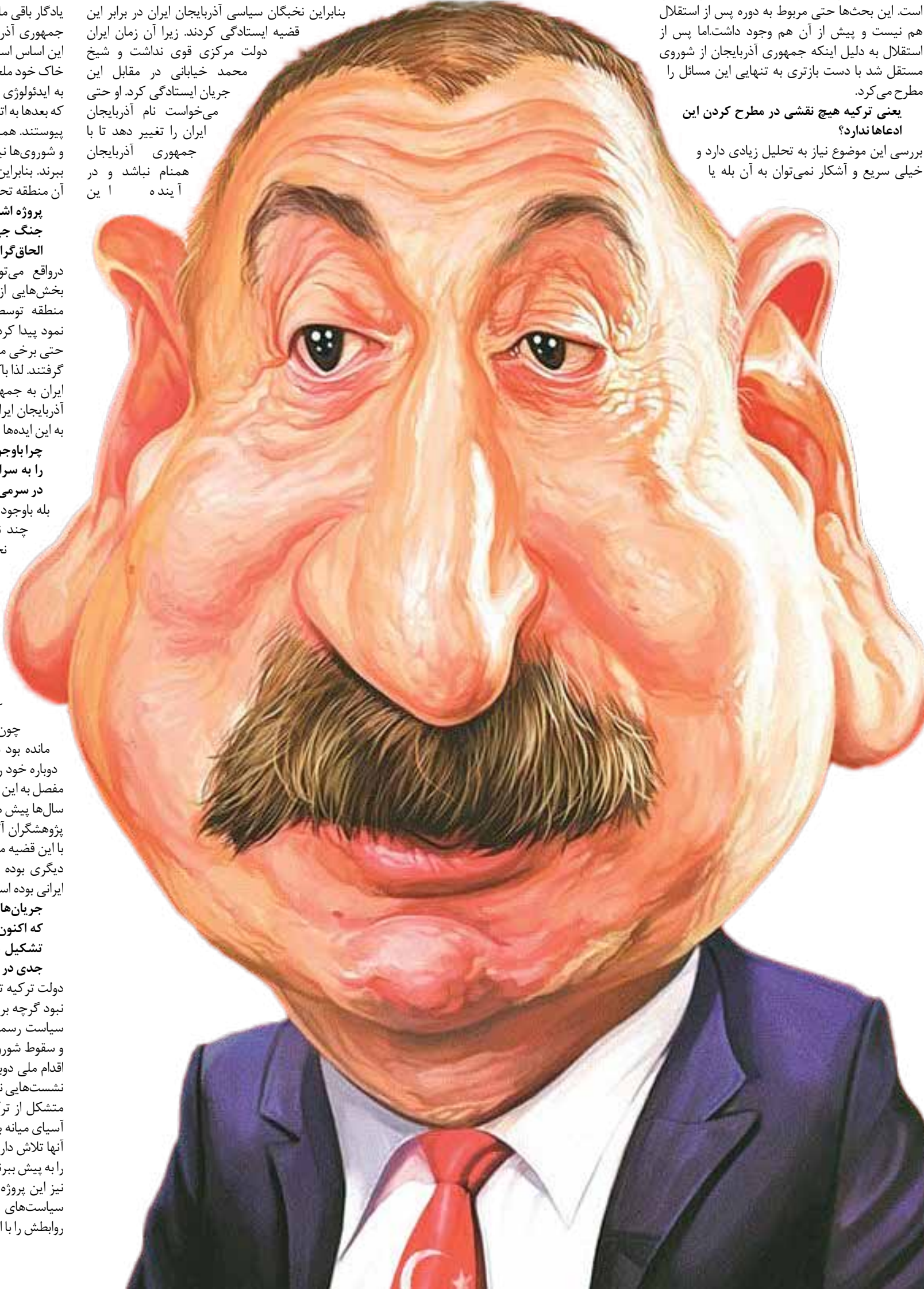
**پروژه اشغال کردستان و آذربایجان ایران در زمان جنگ جهانی دوم چه ارتباطی با این رویکردهای الحاق‌گرایانه داشت؟**

درواقع می‌توان گفت با اشغال آذربایجان ایران و بخش‌هایی از کردستان و ایجاد جمهوری در این دو منطقه توسط شوروی، مساله تمایلات الحاق‌گرایانه نمود پیدا کرد. پروژه‌ای که دیگر محصول ترکیه نبود و حتی برخی مطبوعات ترکیه علیه اهداف شوروی موضع گرفتند. لذا باکو دنبال‌کننده پروژه الحاق بخشی از خاک ایران به جمهوری آذربایجان بود؛ هرچند این پروژه در آذربایجان ایران شکست خورد زیرا مردم این منطقه تن به این ایده‌ها ندادند و بر ایرانی بودن خود تاکید داشتند. **چرا باوجودی که نتوانستند پروژه الحاق این مناطق را به سرانجام برسانند؛ همچنان این ایدئولوژی را در سر می‌پرورانند و چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟**
بله باوجود شکست اما ایدئولوژی آن باقی ماند و طی چند نسل به یک پارادایم و اصل مسلم برای نخبگان سیاسی جمهوری آذربایجان تبدیل شد و سپس به شکل یک رویا درآمد. بر اساس یک روایت جعلی تاریخی گویا یک آذربایجان واحد و دولت مستقلی بوده که بعدها ایران و روسیه آن را تقسیم کرده‌اند. این ادعاها در میان ایران‌شناسان، قفقازشناسان و کسانی که نسبت به تاریخ منطقه آگاهی دارند، کاملا مضحک به نظر می‌رسد.

چون این رویا در میان برخی آذربایجانی‌ها باقی مانده بود بعد از استقلال آن کشور در سال ۱۹۹۱ دوباره خود را نشان داد و برخی جریان‌های آذربایجانی مفصل به این ایده خیالی پرداختند. بنابراین این مساله از سال‌ها پیش مطرح شده بود؛ هرچند استادان، مورخان و پژوهشگران آگاه نیز در جمهوری آذربایجان هستند که با این قضیه مخالفت می‌کنند و می‌گویند قضیه به گونه دیگری بوده و جمهوری آذربایجان قبالا یک سرزمین ایرانی بوده است.

**جریان‌های پان‌ترک ترکیه یا حتی دولت آنکارا که اکنون سازمان دولت‌های ترک را به همراه باکو تشکیل داده، از چه زمانی این ایده را به صورت جدی در دستور کار خود قرار دادند؟**

دولت ترکیه تا پایان جنگ سرد خیلی دنبال این مسائل نبود گرچه برخی آن را مطرح می‌کردند اما ایدئولوژی و سیاست رسمی دولت آنکارا نبود. اما بعد از جنگ سرد و سقوط شوروی برخی جریان‌های پان‌ترک مانند حزب اقدام ملی دوباره ایده ترکستان بزرگ را مطرح کردند و نشست‌هایی نیز در این راستا برگزار کردند. این نشست‌ها متشکل از ترکیه، جمهوری آذربایجان و جمهوری‌های آسیای میانه بود که نام آن نیز چند بار تغییر کرده است. آنها تلاش دارند به زعم خود اتحاد و یگانگی جهان ترک را به پیش ببرند. اما آنچه مسلم است هرچند دولت ترکیه نیز این پروژه را تاحدی قبول داشت ولی آن را در زمره سیاست‌های رسمی خود قرار نداد و تلاش کرده که روابطش را با ایران حسنه نگه دارد. این در حالی است که



تهران و نویسنده «قومیت و قومیت‌گرایی در ایران»؛

# ایران است

پروژه ترکستان بزرگ است



کرد. هر چند صرف طرح این مسائل خیلی چالش‌برانگیز نیست و آنها یکسری شعار می‌دهند و ادعاهایی مطرح می‌کنند.

ایرانی‌ها یک ویژگی فرهنگی دارند که خیلی بردبار هستند،به ویژه در مقابل کسانی که درباره کشورمان ادعای سرزمینی دارند. در واقع اگر بنا به ادعای سرزمینی باشد ما باید ادعای سرزمینی نسبت به کشورهای فوق‌الذکر داشته باشیم. بنابراین ایران باید به لحاظ داخلی و خارجی قدرتمند باشد تا این چالش‌ها را مهار کند.

به عنوان مثال برخی روایات تاریخی درست باید در کتاب‌های آموزشی ایران گنجانده شود. این در حالی است که در کتاب‌های درسی جمهوری آذربایجان مملو از این جعلیات است.

در ایران در هیچ یک از مقاطع تحصیلی این آگاهی‌ها به بچه‌ها داده نمی‌شود و فقط آگاهی‌های فراملی به محصل‌ها آموزش داده می‌شود. سیاست خارجی ما بر اساس چنین استوار است؛ این در حالی است که واحد تحلیل سیاست خارجی باید کشور و منافع مردم باشد. ما باید مثل اغلب کشورهای دیگر با واقعیات زندگی کنیم. بنابراین هم در داخل سیاست هویت‌سازی ما اشتباه است و هم در عرصه خارجی سیاستگذاری‌مان دارای نقصان است که ما را در منطقه بیش از پیش درگیر می‌کند؛ هم با قدرت‌های منطقه‌ای و هم قدرت‌های بزرگ. بنابراین ما هیچ متحدی نداریم و در هیچ ائتلاف و اتحاد در گستره جهانی نمی‌توانیم عضو شویم اما کشورهای دیگر قادر به انجام این کار هستند. زیرا آن کشورها تحریم نیستند، واقع‌گرا و با اغلب کشورها سازگار

ارتباطی ایران به اروپا از طریق ارمنستان را از طریق همین سازوکار مورد پیگیری قرار می‌دهند. به نظر جنابعالی ایران در مقابل چنین سازوکاری باید چه تدبیری بیندیشد؟

از سال ۱۹۹۲ گروه‌ها و سازمان‌های پان‌ترکیستی گاه با همکاری و گاه بدون همکاری دولت ترکیه یکسری تشکیلات و سازمان‌هایی را پیش می‌برند که تقریباً راه را برای پروژه پان‌ترکیستی فراهم کنند. همچنین آن را سیاست خارجی دنیای ترک نام می‌برند. بنابراین بسیار زیاد شاهد تشکیل اینگونه سازمان‌هایی بودیم که بعضاً نیز تغییر اسم می‌دادند. البته این سازمان‌ها اغلب خیلی موفق نبودند؛ زیرا نزدیک به سه دهه از اولین گام برای تشکیل شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان زمان می‌گذرد اما کاری از پیش نبرده‌اند یا سازمان قدرتمندی که همکاری همه‌جانبه داشته باشند، به وجود آورند. اکنون نیز این سیاست خود را در قالب سازمان دولت‌های ترک پیش می‌برند. در واقع در آغاز از این طرح استقبال شد اما بعدها رهبران برخی کشورهای آسیای میانه چون ازبکستان و ترکمنستان و حتی قرقیزها و قزاق‌ها در این طرح گاهی مشارکت نمی‌کردند. چرا که آنها ایدئولوژی‌ها و ناسیونالیسم‌های خاص خود را بعضاً دارند. بنابراین آنها شیفته این طرح پان‌ترکیسم فراملی نیستند. اکنون نیز سازمان دولت‌های ترک در ادامه همان شورای همکاری کشورهای ترک زبان است که در سال ۲۰۰۹ شکل گرفت اما ترکیه با توجه به قدرت اقتصادی و سیاسی‌اش نتوانسته این پروژه را به خوبی پیش ببرد. برخی کشورها بعضاً در راستای اهدافشان به این سازمان پیوسته‌اند اما این پیوستن مقطعی به این معنا نیست که آنها با اهداف آنکارا یا باکو همراه هستند.

لذا در حال حاضر در دعوای بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، ایران باید بی‌طرفی خود را حفظ کند. هرچند تهران در همین راستا تلاش کرده اما به قدری جریان‌های پان‌ترکیستی تبلیغات کردند که اینگونه وانمود شد که گویی به صورت تام و تمام ایران از ارمنی‌ها در برابر آذربایجانی‌ها حمایت می‌کند. این در حالی است که این‌گونه نیست و جزئیات آن متفاوت است.

**آیا ارتباط قوی‌تر و منسجم‌تر با جهان مسیحیت ازجمله ارمنستان و کشورهای اروپای باختری را به دلیل حساسیت این کشورها به ماجرای نسل‌کشی ارمنه توسط عثمانی می‌توان به عنوان یکی از این راهکارها در نظر گرفت؟**

اگر می‌خواهیم در برابر این جریانات، ائتلاف‌سازی کنیم متضمن تغییر

سریال «عزیز» ترکیه چه پیامی را به مخاطبان القا می‌کند؟

## مشروعیت‌سازی

## برای تجاوز به همسایگان



بررسی بخش‌هایی از این سریال موید ادعاهای نگارنده است. مثلاً در

قسمت نخست پیرزنی مقابل مدرسه فرانسوی‌ها حاضر می‌شود و در اعتراض به حضور فرانسوی‌ها و آموزش زبان فرانسوی، پرچم سرخ رنگ ماه و ستاره نشان را بالا می‌گیرد و فریاد می‌زند: «اینجا خاک ترک است، ما ترکیم و فرزندان ما هم ترک هستند!». لذا در اینجا روایتی از ترک بودن و ترک ماندن را ترسیم میکند و نه ترک شدن. ساخت چنین محصولاتی حاکی از عزم راسخ دولتمردان ترکیه در جهت ملت‌سازی، تاریخ‌سازی و توسعه مفهوم ترک بودن است. ترکیه نیازمند ایجاد پیوند بین سرزمین‌هایی است که به دروغ میراث دار جهان ترک! هستند و با تاریخ‌سازی جعلی و عامدانه از طریق ارائه چنین محصولاتی هر روز بیش از پیش به چنین نگرشی دامن می‌زند، در مقابل تولیدات ایرانی عمدتاً به دلیل فقدان نگاه ملی تپی از محتوایی با درون مایه ملی و تاریخ ایرانی‌ اس که وحدت ملی را تقویت کند.

برخی متصدیان امر که نسبت به مفاهیم ملی و مفهوم ایران یکپارچه کم توجه بوده و برای ایران موجودیتی مستقل و بدون پیوند با جهان اسلام متصور نیستند باید با توجه به رویکردهای توسعه طلبانه و کشورگشایانه ترکیه که در ا مثال سریال عزیز قابل مشاهده است در این نگرش خود تجدیدنظر کنند.

اگر چه مسلمان بودن یکی از عناصر هویت ساز ایرانیان است، ولی نباید به ملیت ایرانی در آثار فرهنگی و هنری کم توجهی شود. عدم تخصیص بودجه مناسب و حمایت از چنین دیدگاهی، اشتیاق تولیدکنندگان را به تولید برنامه‌ها و سریال‌های فاخر ملی کاهش میدهد

در سال‌های اخیر حتی در زمینه تولید آثار مرتبط با تمدن اسلامی نیز کار در خور توجهی ارائه نشده تا مخاطبان جهان اسلام را با خود همراه کند. شاید تنها نمونه‌های موفق را بتوان سریال امام علی(ع)، یوسف پیامبر و مختارنامه نامید که از تولید آنها نیز مدت زمان زیادی می‌گذرد. در طول این چهل و اندی سال اکثر تولیدات امت محور ما هم چندان جنگی به دل نزده و مخاطب جهانی نداشته است چه برسد به تولیداتی با محوریت محتوای ملی و ایرانی. چنانچه توجهی ویژه به این موضوع صورت نگیرد ما حتی در این زمینه نیز نتیجه را به رقباً و سارقان فرهنگ و تاریخ و هویت ایرانی واگذار می‌کنیم و نتیجه آن اقبال نسل جوان به تولیدات فرهنگی کشور ترکیه با پیام‌های مخرب بر علیه وحدت سرزمینی و تمامیت ارضی ایران خواهد بود.

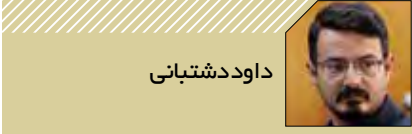
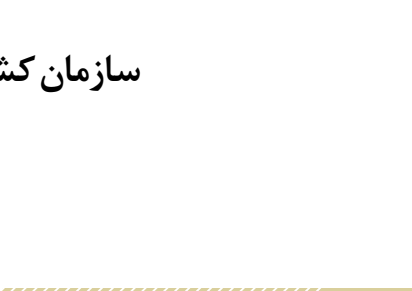


چندین سال است که محصولات فرهنگی و رسانه‌ای ترکیه مورد توجه برخی از کشورها قرار گرفته است.این محصولات که عمدتاً در غالب سریالهایی مجذوب‌کننده مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده، تلویحا و یا به صورت مستقیم پیامهایی را به مخاطبان ارسال میکند. یکی از شبکه‌های پخش کننده انبوه سریال‌های ترکی، شبکه ام بی سی پرشیا است، رسانه‌ای که بودجه اش را عربستان سعودی تأمین میکند و به تازگی شروع به پخش سریالی ترکی با دوبله فارسی تحت عنوان «عزیز» کرده است. این سریال محصول سال ۲۰۲۱ کشور ترکیه بوده و کانال D ترکیه آن را پخش می‌کرد. ماجرای این سریال مربوط به قهرمانی‌های جوانی است به نام «عزیز» با بازی «هورات ییلدیریم» که از بزرگ زادگان شهر انتاکیه است. داستان سریال به زمان جنگهای استقلال ترکیه بازمی‌گردد. ملی‌گرایان ترک به رهبری مصطفی کمال پاشا قصد دارند تا مانع بیشتر تجزیه سرزمینهای تحت قلمروی خلافت عثمانی بعداز جنگ جهانی اول شوند و سرزمینهای تجزیه شده را باز پس گیرند. داستان در شهر انتاکیه رخ میدهد، شهری که اکنون یکی از بخشهای سوریه و تحت الحمایه فرانسه شده است و تلاش میشود بازپس گرفته شود و آن را پس گرفتن سرزمین ترک قلمداد می‌کنند، حال آنکه انتاکیه، شهری که توسط جانشین اسکندر مقدونی یعنی سلکوس اول به یادبود پدرش ساخته شد، مدتها در دست یونانی‌ها، رومی‌ها، ساسانی‌ها، مسلمانان سلجوقی، صلیبیون و سپس عثمانی‌ها بود.

بنابر مسلمات تاریخی انتاکیه، میراث دار تاریخ و فرهنگ یونانی – ایرانی و مسیحی – اسلامی است و هرگز صبغه‌ای ترکی نداشته است، ولی در این سریال سعی میشود تا آن را سرزمینی با فرهنگ و زبان ترک معرفی کنند.

گرچه این سریال تاریخی است اما کسانی که تاریخ را میشناسند درمی‌یابند یک درهم ریختگی تاریخی و انبوهی از روایت‌های غلط اما هدفمند در آن وجود دارد. قصد سازندگان این سریال روایت تاریخ نیست، بلکه رسالتشان در حوزه رسانه ارسال پیام «ملت‌بودگی ترک» است و نه «ملت‌شدگی» تا بتوانند از این طریق به دستاورد و هدف مهم ترکیه تحت رهبری اردوغان، یعنی «وحدت ملل ترک» برسند.

## همایش «میراث فرهنگی ایران در قفقاز» برگزار می‌شود



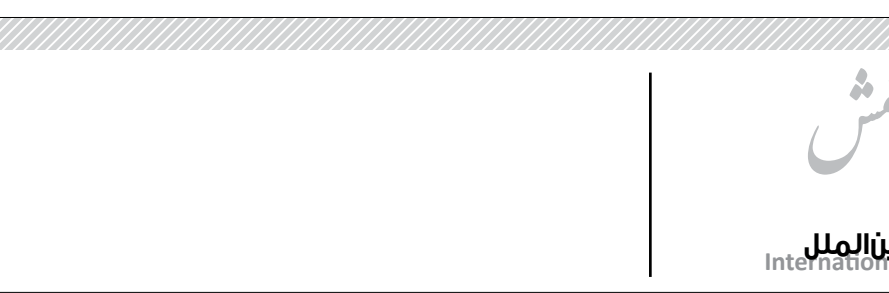
اگر در داستان‌های اساطیری ایران تیر آرش بر درخت گردویی در کناره رود جیحون نشست و جیحون مرز ایران و توران شد، امروز آنجا بخشی از قلمرو سازمان کشورهای ترک است؛ سازمانی که در سال ۲۰۰۹ با نام اتحادیه کشورهای ترک‌زبان با عضویت پنج کشور ترکیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان تشکیل شد و مجارستان و ترکمنستان نیز به عنوان عضو ناظر در آن حاضر هستند و در سال ۲۰۲۱ به سازمان ارتقا پیدا کرد و نام سازمان کشورها یا دولت‌های ترک بر آن گذاشته شد.
نهمین اجلاس سران این سازمان از روز شنبه ۲۰ آبان در سمرقند آغاز شد و رهبران این فوج کشور به میزبانی شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهور ازبکستان با شعار «دوران جدید تمدن ترک: به‌سوی توسعه و شکوفایی مشترک» گردهم آمدند و با پایان ریاست دوره‌ای ترکیه بر سازمان، این مسئولیت به ازبکستان تحویل داده شد.

رجب‌طیباردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، شوکت میرضیایف رئیس‌جمهور ازبکستان، الهام‌علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان، قاسم جومرت‌توکایف رئیس‌جمهور قزاقستان و صدر جاپاروف رئیس‌جمهور قرقیزستان و همچنین قربانقلی بردی محمداف رئیس‌جمهور سابق و رئیس شورای ملی صلحت خلق ترکمنستان و ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان در این اجلاس حضور دارند. همچنین با اتمام دوره دبیرکلی بغداد آمریاف، سران سازمان کشورهای ترک، گویانچ بک‌عمرعلی‌اف، سفیر قرقیزستان در آنکارا را به عنوان دبیرکل جدید این سازمان منصوب کردند. بغداد کولتاویوچ آمریاف نیز پیش از پذیرفتن این مسئولیت سال‌ها سفیر قزاقستان در ترکیه و ایران بود. شاید همین نکته بتواند نقشی را که ترکیه برای خود در این سازمان محو می‌کند نشان دهد؛ نقش پدری، اساساً معرف این سازمان، رجب‌طیباردوغان و سیاست‌های اعمالی اوست. در این سفر نیز «نشان عالی جهان ترک» و «نشان ملی ازبکستان» و «نشان افتخار امام بخاری» به رجب‌طیباردوغان اهدا شد. از سال ۲۰۰۹ که این اتحادیه تشکیل شد، مقر دبیرخانه نیز در استانبول است و ترکیه محور اصلی و محرک و هدایت‌کننده سازمان را برعهده دارد. سایر کشورهای عضو اگرچه مانند ترکمنستان ۱۰سال در مقابل اصرارهای ترکیه برای عضویت مقاومت نکردند، اما آن حسابی که ترکیه روی این سازمان باز کرده را هم نکرده‌اند. قزاقستان دومین کشور قدرتمند این سازمان که به ثروت نفتی و گازی خود متکی است، بیش از آنکه به ترکیه و سازمانش وابسته باشد، ضمو پیمان امنیت جمعی با روسیه است و سیاست‌هایش با مسکو تنظیم می‌شود. در اعتراضات ژانویه ۲۰۲۲ قزاقستان نیز، این مسکو بود که به داد آلماتی رسید. اما باکو در این سال‌ها بیش از هر کشوری به ترکیه تکیه کرده و شعار «یک ملت و دولت» گویایی امید علی‌اف به آنکاراست.

**چشم‌انداز سازمان ترک**

رجب‌طیباردوغان در نشست پیشین در استانبول و به مناسبت تصویب سند چشم‌انداز سازمان دولت‌های ترک گفت: «این سند نمایانگر آن است که چشم‌اندازهای ما فقط به مرزهای کشورهای عضو محدود نخواهد ماند، بلکه ارائه ما را به گسترش صلح، آسایش و رفاه در سراسر منطقه متیلور می‌سازد.» اشاره اردوغان به گسترش صلح و آسایش برای سراسر منطقه در همان اجلاس اینگونه توسط الهام‌علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان ترجمه شد: «کریدور زنگرور، جهان ترک را به یکدیگر و ما را به اروپا متصل خواهد کرد.» و نتیجه اجلاس استانبول برای ایران و ارمنستان تلاش برای ایجاد دالان تورانی توسط باکو و آنکارا از طریق اقدام نظامی بود که ایران را وادار به برگزاری سه رزمایش نظامی و تحرک دیپلماتیک برای ممانعت از این اقدام کرد. اکنون با برگزاری این اجلاس و سخنان

همایش بین‌المللی «میراث فرهنگی ایران در قفقاز» ۹ تا ۱۰ فروردین ماه ۱۴۰۲ از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ارمنستان با همکاری انستیتوی خاورشناسی دانشگاه روسی – ارمنی (اسلاونی) و انستیتوی نسخ خطی مسروپ ماشوتوس (ماتناداران) برگزار می‌شود. این همایش گستره وسیعی از مطالعات تاریخی، ادبی و فرهنگی و ابعاد گوناگون میراث فرهنگی ایران در کشورهای قفقاز را دربرمی‌گیرد. روابط تاریخی، فرهنگی و ادبی ایران و قفقاز، آثار تاریخی و هنری و یادمان‌های ایرانی (مساجد، دژها و آثار بازمانده از معماری ایرانی) در قفقاز، کتیبه‌ها، الواح و یادگارونشته‌های فارسی در قفقاز، نژادهای ایرانی در منطقهٔ قفقاز (آس‌ها، تات‌ها، تالش‌ها)، مطالعهٔ تطبیقی زبان‌های ایرانی و زبان‌های رایج در سرزمین قفقاز (ارمنی، گرجی، گویش‌های ترکی و…)، گنجهٔ باستانی در مقام مرکز فرهنگ و ادبیات ایرانی در قفقاز جنوبی، زبان فارسی در قفقاز جنوبی، نظامی گنجوی و خاقانی شروانی و روزگار آنان، روشنفکری ایرانی در تفلیس قدیم، حبیبش تفلیسی و آثار او، مطالعات تطبیقی در حوزه‌های



## سازمان کشورهای ترک چگونه ممکن است منافع و آینده ژئوپلیتیک ایران را تهدید کند؟

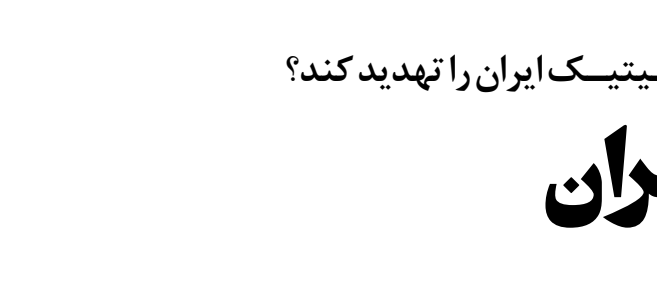
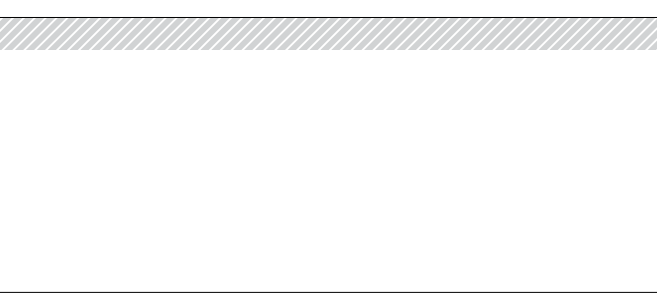
# لشکر توران در راه ایران



تند و مداخله‌جویانه الهام علی‌اف و در سایه انفعال و بی‌عملی ایران، باید منتظر اقدامات دیگر باکو و آنکارا بود.

این سازمان برخلاف گفته اردوغان سیاست خود را نه برپایه صلح و آرامش و رفاه برای منطقه، که بر مناقشه با کشورها و مناطق همجوار بنا نهاده و در نشست‌های پیشین نیز نشان داده که سیاستی توسعه‌طلبانه و مناقشه‌برانگیز در پیش دارد. حمایت از قیرس شمالی و درخواست ترکیه برای حضور و عضویت ترک‌های قیرس در سازمان دولت‌های ترک، حمایت از اقدامات دولت قرقیزستان در اختلافات با کشور تاجیکستان، حمایت قاطع از ادعاهای جمهوری آذربایجان علیه ارمنستان و برگزاری نشست‌های منظم در زمینه مسائل مشترک امنیتی و ادعاهای اخیر علیه ایران، چشم‌انداز روشنی از اقدامات این سازمان نشان نمی‌دهد و حتما در سال‌ها و اجلاس‌های آینده باید منتظر مناقشه با سایر کشورهای همسایه این سازمان، همچون روسیه و چین و افغانستان نیز بود. اردوغان در این اجلاس از تشکیل صندوق مشترک سرمایه‌گذاری کشورهای ترک سخن گفت که بیانگر تمایلات اقتصادی ترکیه است. اما در عین حال، اهداف سیاسی و فرهنگی این سازمان بسیار پررنگ و بااهمیت است. مصوبات اجلاس سال گذشته سران این کشورها در استانبول، در زمینه خصوصی‌سازی بخش‌های ترابری کشورهای عضو با هدف افزایش مبادلات و برداشتن موانع حمل‌ونقل از طریق کریدور بین‌المللی میانی شرق–غرب دریای خزر و سرمایه‌گذاری بر کریدورهای موجود و احتمال که منافع مشترک کشورهای عضو را تأمین می‌کنند و ادغام آنها در کریدور ترانس کاسپین و مشارکت راهبردی کشورهای عضو در زمینه انرژی که بر اهمیت کریدورها و خطوط انتقال انرژی اشاره دارد، همگی با ایجاد دالان تورانی در جنوب ارمنستان معنا و مفهوم پیدا خواهد کرد. این سازمان در سند چشم‌انداز خود که در سال گذشته و در نشست استانبول تصویب شد، اعلام کرد: «از آنجا که ایجاد کریدور زنگرور زمینه مساعدتری برای ارتباط از طریق کریدور بین‌المللی میانی شرق–غرب دریای خزر فراهم می‌سازد، از مقامات کشورهای عضو دعوت می‌شود تا از اقدامات جمهوری آذربایجان به منظور تسریع این امر حمایت نمایند.» و در ماده ۴۷ این سند نیز اعلام شد: «به منظور بهره‌گیری حداکثری از کریدور بین‌المللی میانی شرق–غرب دریای خزر با تسهیل تشریفات گمرکی و اداری مرتبط و یکسان‌سازی و تسهیل تشریفات مرزی در چارچوب پروژه –کاروانسرا- با هدف همکاری گمرکی و احیای جاده ابریشم موافقت شد.» همچنین در ماده ۴۹، اهمیت ایجاد خط فیبر نوری

اسطوره‌شناسی، ادبیات و فرهنگ عامه، نقش ترجمه در استحکام و تقویت روابط فرهنگی ایران و قفقاز، نقش چهره‌های سیاسی قفقاز در شکل‌گیری گرایش‌های ایدئولوژیک و توسعهٔ سیاسی ایران در نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم و دهه‌های آغازین قرن بیستم میلادی، منابع پژوهشی «بهبخت جنگل» در ایران (به زبان‌های روسی، ارمنی و گرجی)، پژوهش‌های آرشویی؛ معرفی و بررسی داده‌های آرشویی در حوزهٔ موضوعات مرتبط با ایران، کشورهای قفقاز جنوبی و روسیه، رسالت فرهنگی ارمنیان در قفقاز و ایران از محورهای این همایش است.
چکیدهٔ مقالات باید با قلم Times New Roman و اندازهٔ ۱۲ تنظیم و ارسال شود و از ۴۰۰ کلمه تجاوز نکند. علاوه بر فایل‌های ورد و پی‌دی‌اف، ارسال مختصری از سوابق علمی نویسندهٔ مقاله نیز الزامی است. برای ارائهٔ مقالات ۲۰ دقیقه زمان در نظر گرفته شده‌است و در پایان هر سخنرانی ۵ دقیقه نیز به پرسش و پاسخ اختصاص داده خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند چکیده مقالات خود را حداکثر تا ۲۵ دی‌ماه جاری به نشانی الکترونیکی iranokafkaz@gmail.com ارسال نمایند.



عالم تن است و ایران دل نیست
گوینده زین قیاس خجل/
چون که ایران دل زمین باشد/
دل زتن به بود یقین باشد»
و باز در شعر مشهور دیگری خود را «دهقان فصیح پارسی زاد معرفی می‌کند».
درحالی‌که ابوریحان بیرونی و حکیم ابونصر فارابی دانشمندان قزاق معرفی می‌شوند و ابن سینا و خوارزمی به‌عنوان مفاخر ازبکستان به دنیا‌شناسانده می‌شوند، ایران دفاع مناسبی از داشته‌های فرهنگی و تاریخی خود ندارد.

**سازمان ترک و منافع ایران**

سازمان کشورهای ترک از زمان تاسیس تا دو سال گذشته که از اتحادیه به سازمان بدل شد، در ایران چندان جدی گرفته نشد. احتمالاً عدم پیوستگی جغرافیایی کشورهای عضو با ترکیه و حائل شدن دریای خزر و منافع و علائق متفاوت کشورهای عضو، سیاستگذاران ایرانی را به این سمت سوق داد که این سازمان نخواهد توانست اتحادیه‌ای موفق و دارای دستاوردی باشد، چه رسد به آنکه بتواند به تهدیدی علیه منافع و علائق ایران بدل شود، اما گویا توهمات تورانی بر رویای ایرانی غلبه کرده است. ریشه سازمان کشورهای ترک را باید در ایدئولوژی پان‌تورانیسم جست‌وجو کرد که از قضا نخستین منبع و طراح آن یک مجارستانی به نام آرمینیوس وامبری است. وامبری بر پایه شباهت‌ها و ریشه زبانی زبان‌های اورال‌آلتایی نظریه پان‌ترکیسم یا یکی کردن همه سرزمین‌هایی که ساکنان آن به یکی از زبان‌هایی که ریشه آن‌ها به زبان‌های آلتایی می‌رسد را نخستین‌بار در دهه ۱۸۶۰ مطرح کرد. گاردین سراساس اسنادی که برای نخستین بار در سال ۲۰۰۵ منتشر شد، گزارش داد که وامبری از میانه قرن نوزدهم توسط وزارت امور خارجه بریتانیا به عنوان جاسوس استخدام شد تا علیه تلاش‌های روسیه در افزایش نفوذ خود در آسیای مرکزی و به خطر انداختن مواضع بریتانیا در شبه‌قاره هند مبارزه نماید. او همچنین در استخدام تودور هرتزل، بنیانگذار جنبش صهیونیسم نیز برآمد. هرتزل درباره وامبری می‌گوید: «اوآ نمی‌داند که بیشتر ترک است یا انگلیسی، به آلمانی کتاب می‌نویسد، ۱۲زبان را با همان تسلط صحبت می‌کند و به پنج دین اعتقاد دارد که در دو تای آنها به عنوان روحانی خدمت کرده است…» او ۱۰۰۱ داستان از مشرق‌زمین، از صمیمیت‌اش با سلطان و… برای من معرفی کرد و خیلی زود به من اعتماد کرد و پس از سوگند پنهانی گفت که یک مأمور مخفی ترکیه و انگلیس است.»

وامبری با نام اصلی هرمان وامبرگر به عنوان معلم زبان‌های اروپایی وارد دربار سلطان عثمانی شد و پس از آموختن زبان ترکی عثمانی به عنوان درویش رشیدافندی سفری دور و دراز به ایران و آسیای مرکزی را آغاز کرد و در بازگشت نظریه خود را به کارفرمایان خود در عثمانی و انگلیس ارائه داد. ساختن و مطرح کردن این اندیشه از سوی وامبری و بریتانیا در اصل به منظور ایجاد یک کمربند از آلتایی‌زبان‌ها در جنوب روسیه بود تا مانعی شود برای گسترش و رخنه روس‌ها به مستعمرات انگلیس در هندوستان. پادشاه بریتانیا، ادوارد هفتم، نشان سلطنتی ویکتوریا را به او اهدا کرد و به دنبال آن نامه‌ای نوشت که در آن از وامبری به‌عنوان «یک دوست خوب و همیشگی برای انگلستان» قدردانی شد.

نظریات وامبری که مبنای پیدایش ایدئولوژی پان‌تورانیسم شد و او تلاش کرد به آن رنگ‌وبوی علمی و زبان‌شناختی بدهد، آشکارا یکی توطئه سیاسی بود، شاید بیش از هر کسی خود او از بی‌پایه بودن ادعاهایش مطلع بود که پسرش را رستم نام نهاد که یادآور پهلوان اساطیری ایران و دشمن توران بود؛ کشورهایی که به زبان‌های ترکی و آلتایی سخن می‌گویند هر چند تقریباً همگی مسلمان هستند، اما کمتر تاریخ و سرگذشت مشترکی دارند و موانع جغرافیایی نیز مبنای اشتراک و اتحاد آن‌ها را زیر سوال می‌برد و برخلاف عنوان سازمان که گویی همه این کشورها دارای زبانی یکسان هستند، رهبران این پنج کشور مجبور هستند از طریق مترجم با یکدیگر صحبت کنند

### ادامه از همین صفحه



و برخی از اعضا نیز از تلاش ترکیه برای اضمحلال زبان‌های دیگر و تسلط ترکی‌استانبولی به عنوان زبان معیار بر این کشور ابراز نگرانی می‌کنند؛ تلاشی که ترکیه ابایی از ابراز آن ندارد. در واقع بخش عمده‌ای از این کشورها در حوزه تمدنی ایران فرهنگی قرار دارند و ایران در مرکز ارتباطی آنها قرار دارد و هر اتحادیه‌ای در این منطقه بدون حضور ایران و با نادیده گرفتن ایران، در یک بن‌بست جغرافیایی گرفتار است، اما مبنای ایدئولوژی پان‌تورانیسم اگر محاصره روسیه و ایجاد یک کمربند دور روسیه تزاری بود، امروز ایران نیز به عنوان هدف دوم برآن افزوده شده است؛ هدفی که در این دو سال و پس از تبدیل این اتحادیه به سازمان به‌خوبی آشکار شده است. در واقع مناقشه میان ایران و جمهوری آذربایجان بر سر تلاش ترکیه و جمهوری آذربایجان برای ایجاد یک دالان سرزمینی در جنوب ارمنستان که اتصال مرزی ایران و ارمنستان و راه ارتباطی ایران به اروپا از طریق این کشور را از بین خواهد برد، بخشی از تلاش این سازمان برای حل بن‌بست جغرافیایی خود و اتصال ترکیه به ترکستان بزرگ در آسیای مرکزی است. در واقع هدفی که امپراتوری عثمانی در جریان جنگ جهانی اول از طریق نسل‌کشی ارمنه و پیشروی نظامی در قفقاز در تلاش برای دست یافتن به آن بود، اکنون در دسترس ترکیه است و ایران تنها مانع قاطع این اتفاق است. با ایجاد این دالان، جغرافیای سازمان کشورهای ترک به یکدیگر متصل خواهد شد و ترکیه به عنوان درگاه و نقطه اتصال کشورهای عضو این سازمان به اتحادیه اروپا، خواهد توانست انحصار صادرات انرژی و تکنولوژی و ترانزیت منطقه را به دست بگیرد و حتی با اتصال به چین، پروژه «بئنگار کمربند و جاده» چین برای احیای جاده ابریشم را از آن خود کند.

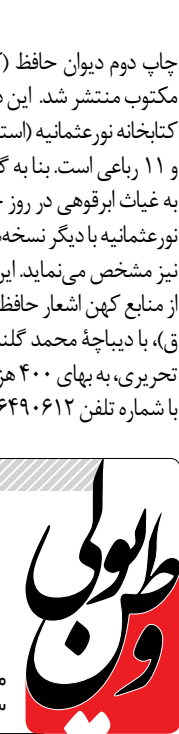
به نظر می‌رسد گام بعدی سازمان کشورهای ترک پس از پیوستن کشورهای مستقل کنونی توجه به حضور اقوام ترک‌زبان در سایر کشورها همچون ایران، چین، افغانستان، عراق و روسیه خواهد بود؛ هدفی که از اکنون آشکار شده است. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در ادامه همین اجلاس گفت: «ما به تلاش خود ادامه خواهیم داد تا هموطنان ما که به سرنوشت تلخ از کشور آذربایجان جدا شده‌اند، زبان و سنت و فرهنگ ما را حفظ کنند و به اندیشه آذربایجانی‌گری وفادار بمانند. جهان ترک تنها از کشورهای مستقل ترک تشکیل نمی‌شود، مرزهای جغرافیایی آن گسترده‌تر است. من معتقدم زمان آن فرا رسیده است که در چارچوب سازمان، مسائلی مانند جلوگیری از هسمان‌سازی و حفظ حقوق، امنیت و هویت ملی هموطنان خود را که در خارج از کشورهای عضو سازمان ترک‌ها زندگی می‌کنند، همیشه در نظر داشته باشیم. نسل جوان جهان ترک باید فرصت تحصیل به زبان مادری خود را در کشورهای محل سکونت خود داشته باشند. متأسفانه اکثریت ۴۰میلیون آذربایجانی ساکن خارج از آذربایجان از این فرصت‌ها محروم هستند. آموزش هموطنان خارج از کشورهای ترک به زبان مادری باید همواره در دستور کار سازمان باشد. باید در این راستا اقدامات لازم صورت گیرد. دولت جمهوری آذربایجان توجه ویژه‌ای در حمایت از حقوق، آزادی‌ها و امنیت آذربایجانی‌های مقیم خارج از کشور دارد. ما به تلاش خود ادامه خواهیم داد تا هموطنان ما به اندیشه آذربایجانی‌گری وفادار بمانند و هرگز با سرزمین تاریخی خود قطع رابطه نکنند.» علی‌اف چند روز پیش نیز با پوشیدن لباس نظامی، پیامی تهدیدآمیز علیه ارمنستان منتشر کرد و با بیان اینکه ما اینجا قدرت اصلی را داریم، با اشاره به رزمایش‌های اخیر ایران گفت: «ارتش ما قهرمانی، حرفه‌ای و فداکاری نشان داده است، اگر لازم باشد دوباره نشان می‌دهیم، به خواسته خود می‌رسیم، همه این را می‌دانند و کسانی که در مرز ما برای حمایت از ارمنستان رزمایش نظامی برگزار می‌کنند نیز باید این را بدانند. هیچ‌کس نمی‌تواند ما را برترساند.»

این سخنان علی‌اف که اهداف پنهان و آشکار ترکیه را با بیانی صریح تر بیان می‌کند نشان‌دهنده چشم‌انداز مداخلات و تنش آفرینی‌های آینده سازمان کشورهای ترک برای ایران است. رجب‌طیباردوغان نیز پیش از این حداقل دوبار به صورت آشکار و چندین بار به صورت تلویحی به تلاش ترکیه برای تحریک آذری‌های ایران به‌عنوان یک عامل فشار علیه آنچه که او توسعه‌طلبی ایران می‌نامید اشاره کرده بود.

در واقع مصوبات سازمان کشورهای ترک در زمینه تقویت جوامع دیاسپورا (اقلیت‌های مرتبط در سایر کشورها) و ایجاد ارتباط میان آنها و کشورهای مبدا با هدف پشتیبانی از هویت ترکی‌شان و اقدام مشترک در زمینه‌های مربوط به جهان ترک، آشکارا سیاستی مداخله‌جویانه و مناقشه‌برانگیز است که در سخنان الهام علی‌اف در اجلاس سمرقند متجلی شده است.

**ایران چه نکرده و چه باید بکند**

بی‌شک پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و رهایی این کشورها از سیویلیزاسیون روسی بهترین فرصت برای ایران فراهم شد تا برپایه تاریخ و فرهنگ و دین مشترک و حضور کهن و عمیق زبان فارسی در این مناطق به بازسازی نفوذ و حضور خود در این مناطق بپردازد. چند سال ابتدایی فروپاشی نیز تب و تاب این موضوع در میان دولتمردان ایران برپا بود، اما برخی سیاست‌های نادرست و تحریک‌آمیز و تلاش‌های خام تبلیغاتی خیلی زود درهای این کشورها را به روی ایران بست. ترکیه و برخی کشورهای دیگر با درک بافت سیاسی استبدادی و بسته این کشورها با تکیه بر نفوذ اقتصادی و فرهنگی به ساختارسازی و نفوذ در بدنه این جوامع پرداختند و امروز نتیجه چندین دهه تلاش خود را درو می‌کنند. در واقع شکل‌گیری سازمان کشورهای ترک در قلمرو تاریخی و فرهنگی ایران کهن نتیجه غفلت و عدم حضور ایران است. اگر ایران می‌توانست حضوری منسجم و برنامه‌ریزی‌شده و دقیق در این کشورها داشته باشد، قطعاً سازمانی با محوریت ایران، مزیت‌های اقتصادی و سیاسی بیشتری دارد تا سازمانی که ترکیه با صدها مایل فاصله جغرافیایی تلاش دارد ترتیب دهد. ایران همچنان از مزیت‌های تاریخی و جغرافیایی و ژئوپلیتیک خود برخوردار است و در صورت اتخاذ سیاست‌های درست می‌تواند آب‌فخته را به جوی برگرداند، هرچند همه این‌ها در صورتی ممکن است که ضربه‌های رابطه با ایران بر سودش نچربد و نظام بین‌الملل اجازه حضور و نفوذ ایران در این مناطق را بدهد وگرنه در بر همین پاشنه خواهد چرخید و ایران در میانه میدان، اما تنها و منزوی خواهد ماند.



ماهنامه فرهنگی وطن بولی

سال هفتم | شماره ۸۵۲ | صفحه

## هفت

ایران‌شهر

Iranshahr

**منصور حقیقت پور ژنرال بازنشسته ایرانی در گفتگو با تلویزیون ترکیه ای؛**

# باکو دشمنان ایران را به منطقه آورده است

ژنرال بازنشسته ایرانی منصور حقیقت‌پور که برای دفاع از خاک آذربایجان در جنگ اول قریابغ به این کشور رفته بود، به صورت زنده در برنامه چشم سوم از شبکه قدس ترکیه با مجری گری نورالدین شیرین گفتگو کرد و به اتهامات اخیر در محور ایران، آذربایجان و ارمنستان پاسخ داد.

**رابطه ایران با جمهوری آذربایجان**

جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری است که جمهوری آذربایجان را رسماً به رسمیت شناخت. جمهوری اسلامی ایران دیدگاه‌های فقهی و شرعی خود را در مورد سرزمین قریابغ در بالاترین سطح بیان کرد. من شخصاً از حضرت آیت الله خامنای فتوا گرفتم که «قریابغ یک سرزمین اسلامی است». ما همیشه سرزمین قریابغ را آذربایجان و سرزمین اسلامی می‌شناسیم، می‌دانیم و همیشه آن را خواهیم شناخت. گواه این مدعا در روابطی که در طول تاریخ با آذربایجان برقرار کرده‌ایم به وضوح دیده می‌شود. در حالی که آذربایجان ارتش منظم نداشت، ما به عنوان ایران ۶۵۰۰ سرباز برای ارتش آذربایجان آموزش دادیم. علاوه بر این، ما سایر تجهیزات نظامی لازم را در قریابغ خود ببر برای ما تربیت کردیم، نه سرباز.» در سخت ترین شرایط جنگ، در حالی که حیدر علی‌اف در قمارخانه‌های روسیه سر گرم خوشگذرانی بود، ما در میدان جنگ به برادران آذربایجانی خود کمک می‌کردیم. تسلیحات و مین‌هایی که به شهید روشن سوادوف تحویل داده شد و در منطقه قریابغ به کار رفت، جلوی پیشروی نیروهای ارمنی را گرفت. همه این سلاح‌ها و مین‌ها به آذربایجان هدیه داده شد. یعنی برای آنها پولی در دریافت علاوه بر این، ما سایر تجهیزات نظامی لازم را در قریابغ خود به آذربایجان تحویل دادیم. اسناد آنها نیز موجود است. درست در این زمان، ما سپاه پاسداران از مسئولان خود خواستیم که تمام تلاش خود را برای جلوگیری از عبور همه موادی که باعث افزایش قدرت نظامی ارمنستان از مرز ایران می‌شود، انجام دهند. در ساختار اناری میانی آذربایجان و حتی گاهی در سطوح بالاتر، شیاطینی وجود داشتند. عده‌ای که با خیانت‌هایشان باعث سقوط شوشی و برخی مناطق دیگر شدند در رسانه‌ها ظاهر شدند. ما علاوه بر وظیفه مستشاری نظامی، اردوگاهی برای صد هزار نفر درایمیشلی ایجاد کردیم تا از برادرانمان که مجبور به مهاجرت از قریابغ بودند، میزبانی کنیم. یک روز من و حیدر علی‌اف به آنجا رفتیم. آن روز ارمنی‌ها از منطقه‌ای در ۲۰ کیلومتری آن منطقه به خاک آذربایجان حمله موشکی کردند. مقامات خبیثی که نام بردم مدعی شدند که ایران آن موشک را همان روز به ارمنی‌ها داده است. از روز اولین زوری بود که شروع به مشاوره نظامی به ارتش آذربایجان کردیم. آن افراد شروری که نام بردم شروع به پخش این دروغ کردند که ایران به ارمنستان کمک می‌کند. من ناراحتی خود را به علی‌اف منتقل کردم. به او گفتم: «تو شاهدی که ما شایه‌نا روز برای تو کار می‌کنیم. اما دوستان شایعه می‌کنند که ما به ارمنی‌ها موشک می‌دهیم.» سپس علی‌اف رو به من کرد و گفت: «اینها یک مشت دیوانه هستند.» پس به او پاسخ دادم: «پس دیوانگانت را ببند.» علی‌اف به سخنان من خندید. عده‌ای که نمی‌خواستند ما با آذربایجان رابطه خوبی داشته باشیم از همان ابتدا با سواستفاده از این صحبت‌ها شیطنت می‌کردند. ما تمام ظرفیت سیاسی، فرهنگی و دفاعی خود را در سال‌های گذشته در خدمت آذربایجان قرار دادیم.اما از طرفی با ارمنستان همسایه هستیم، ما با آنها روابط عادی سیاسی، فرهنگی و تجاری داریم. ما هیچ اقدام نامناسبی از سوی ارمنستان علیه ما نکرده‌ایم. اما شاهد اقداماتی از ا فشار مختلف آذربایجان علیه خود هستیم که به صلاح آنها نبود. از ناسپاسی آذری‌ها متأسفیم.

**رابطه آذربایجان و اسرائیل**

آنها می‌دانستند که ما با اسرائیلی‌ها دشمن هستیم و در سراسر جهان با آنها می‌جنگیم. اما اسرائیلی‌ها را در آذربایجان اسکان دادند. باز هم با وجود آگاهی از حساسیت ما نسبت به تروریست‌ها، تروریستی‌ها به منطقه بردند. خداوند فریب آنها را آشکار کرد. است. سرکرده گروهک حمله تروریستی به حرم شاهچراغ شیراز یک آذربایجانی است. ارتباط این تروریست با اطلاعات آذربایجان و داعش برای ما معلوم است و آذربایجان هزینه آن را خواهد پرداخت. این شایعه است که ایران به ارمنستان کمک می‌کند. در حال حاضر این تبلیغات بی اساس را علیه ایران در افکار عمومی آذربایجان انجام می‌دهند. مردم فقیم و آگاه آذربایجان به خوبی می‌دانند که جمهوری اسلامی ایران به ارمنستان کمک نظامی نخواهد کرد. ما معتقدیم که مشکلات بین آذربایجان و ارمنستان از طریق مذاکرات رو در رو حل خواهد شد. اسرائیل، عربستان، تروریست‌ها، پاکستان و سایر افراد نباید در مذاکرات بین دو کشور دخالت داشته باشند. قریابغ به طور کامل آزاد نشده است

**روابط آذربایجان و اسرائیل از چه زمانی برقرار شد؟**

یهودیان مهاجر از آذربایجان به اسرائیل با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آنها پروژه نزدیک کردن آذربایجان و اسرائیل را از نظر سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی آغاز کردند از روزی که به عنوان مستشار نظامی در باکو بودم، از نزدیک شاهد حضور عناصر اسرائیلی در هتلی بودم که در آن اقامت داشتیم. در آن زمان فرمانده نیروی هوایی اسرائیل با هدایای مختلفی به باکو آمد و با ارتش آذربایجان تماس گرفت. دوستان ترک ما که همراه ما در باکو بودند نیز این موضوع را از نزدیک دیدند. بنابراین مقامات نظامی و اطلاعاتی اسرائیل نزدیک کم ۳۰ سال است که در این منطقه حضور دارند. اگر یادتان باشد مهرماه گذشته به کنال شما گفتم. پیهادی که به ایران نفوذ کرده و ما سرنگون کردیم توسط اسرائیل با استفاده از خاک آذربایجان به اصفهان فرستاده شده است. (یادداشت مترجم: این واقعه مهم را که سال گذشته ژنرال حقیقت‌پور گفته بود در پایان ترجمه اضافه می‌کنیم.) الهام علی‌اف در حال انجام یک قمار بازی است همانطور که در آن مصاحبه اشاره کرد، شهید ابومهنبدن المهندی که من گفت که «پیهادی که نیروهای حشدالشعبی را در عراق بمباران کرد، از خاک آذربایجان بلند شد.» پس از بررسی حادثه در محل، مقامات ارتش جمهوری آذربایجان به ما گفتند: «این کار ارتش ما نیست، کار مهمانان ما (یعنی اسرائیل) است.» این رابطه ادامه پیدا کرد.

چاپ دوم دیوان حافظ (کههن‌ترین نسخهٔ شناخته شدهٔ کامل – کتابت ۸۰۱ ق) از سوی مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب منتشر شد. این دستنویس کههن‌ترین نسخهٔ شناخته شده و کامل از دیوان حافظ است و به شماره ۵۱۴۹ در کتابخانه نوریعثمانیه (استانبول) نگهداری می‌شود و شامل ۴۳۵ غزل، ۱ ترجیع بند (بندی از آن)، ۲۶ قطعه، ۴ مثنوی و ۱۱ رباعی است. بنا به گزارش ترقیمه، کتابت اشعار حافظ از محمد بن عبدالله بن محمد ابوبکر بن کریمشاه ملقب به غیاث ابرقوهی در روز چهارشنبه بیستم جمادی الاول سال ۸۰۱ ق به اتمام رسانده است. مقایسه و مقابله نسخه نوریعثمانیه با دیگر نسخه‌های کههن حافظ، تفاوت‌هایی را در ضبط و قرائت برخی از کلمات نشان می‌دهد و تشابهاتی را نیز مشخص می‌نماید. این اثر به کوشش و با مقدمه بهروز ایمنی معرفی و شناسایی شده و در پایان آن نیز تصاویری از منابع کههن اشعار حافظ گرد آمده است. چاپ دوم دیوان حافظ (کههن‌ترین نسخهٔ شناخته شدهٔ کامل – کتابت ۸۰۱ ق)، با دیباچهٔ محمد گلندام (جامع دیوان حافظ)، به کوشش بهروز ایمنی، در ۱۶۰ صفحه، در قطع رحلی و با کاغذ تحریری، به بهای ۴۰۰ هزار تومان منتشر شده‌است. علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه این اثر و دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۱۲۰۶۶۴۹۰ داخلی ۱۰۵ با واحد فروش مؤسسهٔ پژوهشی میراث مکتوب تماس حاصل نمایند.

**چاپ دوم «دیوان حافظ (کههن‌ترین نسخهٔ شناخته شدهٔ کامل)» منتشر شد**



جعفر وثوقی

نکاتی که هم‌زمان با چاپ و انتشار کتاب آتش آذربایجان قبل از ظهور، اثر مصطفی امیری از انتشارات جمکران در سایت رجانپور درج شدند، فرصتی برای گذری کوتاه بر تاریخ و حدود آذربایجان فراهم آوردند؛ چرا که نکات یاد شده، پس از آوردن عبارات «مقطع» چند مرجع، گستره ای شگفت آور از مفهوم آذربایجان تاریخی را به خواننده عرضه می‌کنند. در بخشی از مقالهٔ سایت رجانپور که همانا با کتاب نامبرده است چنین آمده است: «و اما اینکه آذربایجان، دقیقاً کدام منطقه مقصود است؟ آذربایجان داخل ایران یا آذربایجان خارج از محدوده جغرافیایی ایران؟ نمی توان قضاوت قاطعی داشت. زیرا بلاد آذربایجان در زمان صدور نص، منطقه وسیعی را شامل می‌شده است و مشتمل بر مناطقی در آذربایجان ایران (اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی) و مناطقی همچون آران و جمهوری آذربایجان تا برزند (تفلیس) گرجستان در قلب قفقاز نیز ادامه داشته است و حتی محدوده وسیعی از جنوب غربی روسیه و شمال شرقی ترکیه تا سواحل دریای سیاه (بحرالقرم) متصل به جزیره کریمه را شامل می‌شود و تا مرزهای امپراطوری بیزانس (روم شرقی) امتداد داشته است.»

این سرزمین تختیلی از چسباندن عبارات منقطع زیر که هر کدام حتی جملهٔ کامل مرجع خودشان نیز نیستند، پدید آمده است:
« آذربِیجان: اِقلیمِ واسع و من مشهور مدانها تبریز (به نقل از صفحهٔ ۱۲۸ جلد اول معجم البلدان حموی)، و أجل مدنها قدیما اَرْدبیل (به نقل ازصفحهٔ ۱۸۱ مسالک و المماک اصطخری) من اَرْدبیل اِلی برزند (اینجا مشخص نشده که عبارت من اَرْدبیل اِلی برزند در ادامهٔ نقل از صفحهٔ ۱۸۱ مسالک و المماک اصطخری می‌باشد یا از جای دیگری بریده شده است، ولی به نقل از صفحهٔ ۳۵ جلد دوم معجم البلدان حموی، برای برزند چنین آمده است: برزند من نواحی آذربِیجان و قد ذکرنا آنها من أعمال تفلیس)، من کور آذربِیجان (به نقل از صفحهٔ ۷۹ البلدان یعقوبی). آرانُ فی آخر حُدُود آذربِیجان (به نقل از صفحهٔ ۲۴ جلد هفتم الطراز الاول مدنی)، نَخوجان بَلَد یاقُضی آذربِیجان (به نقل از صفحهٔ ۶۳۳اوضح المسالک اِلی معرفة البلدان بروسوی)، و ایضا بعضی البلاد التي علی ساحل بحر القرم حدود بلاد الروم (به نقل از صفحهٔ ۴۴۰ تقویم البلدان ابوالفداء).»

صرف نظر از کامل نبودن مشخصات مراجع پایان مقاله، مانند تاریخ چاپ نام و مشخص یاد کنندهٔ نسخه ای خطی از آن عنوانیو بوده و یا حتی نیاوردن کامل نام صاحب کتابی مانند بروسوی که محمد بن علی بن سباهی زاده می‌باشد و کفایت به چسباندن عبارات نصف و نیمهٔ با فاصلهٔ زمانی بیش از صد سال برای استناد، ترجمهٔ همین‌ها نیز در یک جمله چنین می‌شود: «آذربایجان منطقهٔ وسیعی می‌باشد که تبریز یکی از معروف ترین شهرهای آن است – و قدیمی ترین شهرهای آن اردبیل است – از اردبیل تا برزند بلند البرزند تا نواحی آذربایجان است و آن را از توابع تفلیس یاد کرده ایم.» – از کور (رود کُر) آذربایجان – آران در پایان حدود (مرز) آذربایجان – نخجوان شهری یا کشوری، (به دلیل کاربرد بلد که گاهی بنا بر هدف نویسنده در هر دو معنا می‌آید) در دورترین نقطهٔ آذربایجان است – و همچنین بعضی شهرها که در ساحل دریای (سیاه) کریمه، در مرز شهرهای روم قرار دارند.»

بدون تلاش نگارندهٔ این یادداشت برای القا به خوانندگان گرمای و همانگونه که خود نیز می‌بینند، کوشیده شده تا با کنار هم گذاشتن عباراتی تصف و نیمهٔ از پنج منبع با فاصلهٔ زمانی چند صد ساله از یکدیگر که حتی جملهٔ کاملشان نیز نیامده است، پذیرفته شود که شمال ارس و حتی فراتر از آن؛ جنوب غرب روسیه هم بخش‌هایی از سرزمین تختیلی تاریخی آذربایجان می‌باشند و جدا از این استنادهای به حقیقت کلمه شگفت‌انگیز، در بخش مراجع نیز مشخص نشده که کدام نیم جمله از کدام منبع می‌بایند و یا ادامهٔ نیم جمله پیش از خود بوده است یا از منبعی دیگر می‌آید. ترجمهٔ همین نیم بنده‌ها نیز چیزی جز اثبات نام آذربایجان تاریخی واقعی برای جنوب ارس به دست نمی‌دهند. آران در پایان حدود (مرز) آذربایجان (به نقل از صفحهٔ ۲۴ جلد هفتم الطراز الاول مدنی)، ولی از آن جا که احساس می‌شود تلاش بر این بوده تا با خوانش نامرست از کتاب یاقوت، پس از عبارت نصف و نیمهٔ: من اَرْدبیل اِلی برزند و بدون مشخص کردن اینکه در ادامهٔ نقل اصطخری بوده یا از جای دیگری می‌باشد؛ تفلیس به عنوان بخشی از آذربایجان نامیده شود، بد نیست به گزارش یاقوت حموی نگاهی داشته باشیم:

«مرز آذربایجان از خاور برذعه و از باختر اَرزنجان و در شمال سرزمین دلیم و گیل و طرام است. سرزمینی گسترده است و بزرگ ترین شهرهای نامبردارش تبریز است که امروز قصبهٔ آن به شمار می‌آید. در گذشته قصبهٔ آن مراغه بود و از شهرهای آن، خوی، سلماس، ارمیه، اردبیل، مرند و جز آن است.۱... سزبانی دازند به نام آذری که کس جز ایشان نفهمد. ۲... آران، نام جمعی کشوری پهناور دارای شهرهای بسیار چون جنزه است که تودهٔ مرمش گنجه خوانند و برذعه، نورد، بیلقان، میان آذربایجان و آران رودخانهٔ ایست به نام ارس؛ هرچه در سوی شمال و باختر آن است از آران و هرچه در خاور آن است از آذربایجان است.»۳

نویسنده در رجانپوز می‌افزاید:

آرمینیه و آران و آذربِیجان ... هذه ثلاثة اقالیم عظمیة قد جمعها ارباب هذا الفن فی الذکر و التصویر (بدون مشخص کردن مرجع و برای تأیید آن از صفحهٔ ۱۸۰ مسالک و الممالک اصطخری نقل می‌کند و مشابه آن؛ فاما آرمینیه و الران و اذربِیجان فاما جمعناها فی صوره واحده).
تداخل بعضها بالمعص و تعسر افرادها بالذکر و قد ضمنا اليها ایضا بعض البلاد التي علی ساحل بحرالقرم (به نقل از صفحهٔ ۴۴۰ تقویم ابوالفداء – صفحهٔ ۱۳۴ اوضح المسالک اِلی معرفة البلدان و مشابه آن: صفحهٔ ۳۳۱ از جلد دوم صوره الارض ابن حوقل).

ترجمهٔ جملات بالا چنین است: ارمنستان و اران و آذربایجان سه اقلیم بزرگ هستند که اهل فن در یک شرح و تصویر (نقشه) می‌سختی می‌توان مشخصان کرد، برخی از شهرهای دریای سیاه را هم آورده ایم. از آنجا که در همهٔ مستندات خود نویسندهٔ محترم نیز تفاوت نام سرزمین های شمال ارس؛ به ویژه آن واحد سیاسی که امروزه جمهوری آذربایجان خوانده می‌شود و به حیاط خلوت صهیونیسم تبدیل شده است، أظهر من الشمس می‌باشند، تنها خدا بر چگونگی نتیجه گیری نویسنده از عبارات بالا دانا است؛ نتیجه ای که می‌گوید:

«با واقع امروزه علاوه بر آذربایجان ایران بر مناطق وسیعی در کشورهای آذربایجان؟؟ارمنستان و امتداد آن در قلب قفقاز و تا سرزمین های واقع در سواحل دریای سیاه، مفهوم بلاد آذربایجان اطلاق می‌شده است و البته به دلیل تغییر مرزهای جغرافیایی در طول تاریخ، مرزبندی مشخص و دقیق این مناطق و تفکیک آنها از یکدیگر، سخت و دشوار بوده است.»

**یادآوری حدود آذربایجان به بهانهٔ کتاب آتش آذربایجان قبل از ظهور**

# «باکو؛ آذربایجان نیست»

همچنین نویسندهٔ رجانپوز مدعیست: بنابراین مقصود از آذربایجان در لسان احادیث و کتب جغرافیا، سرزمین تاریخی (تختیلی) آذربایجان است و نه کشور؟؟ آذربایجان، نگارندهٔ کتاب نیز چنین نویسندهٔ رجانپوز و علاقه مندان این زمینه، پیشنهاد تهیه و مرور کتاب تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام؛ اثر ارجمند ایگناتی یولیونویچ کراچکوفسکی با ترجمهٔ استاد ابوالقاسم پاینده که چند نوبت از سوی انتشارات علمی فرهنگی به چاپ رسیده است را دارد.

نویسندهٔ رجانپوز برای سرچشمهٔ این بحث نیز که حدیثی از امام جعفر صادق(ع) می‌باشد و بنده صلاحیت و تخصص بیان درجهٔ اعتبار انتساب آن به امام جعفر صادق(ع) را ندارد، چنین آورده است: اصل بر این است که مقصود معصوم، منطقهٔ جغرافیای در زمان «صدور نص» است مگر قرینه ای بر خلاف آن باشد؛ آیا ایشان حتی اگر مستندات خودش را برای تأخر نسبت به زمان صدور نص نمی پذیرد، در منابع جغرافیایی و تاریخی زمان صدور نص و پیش از آن؛ مانند گزارش های فتوحات، تفاوت نام های آذربایجان واقعی با سرزمین های شمال ارس را ندیده است؟ و مهمتر از آن، این است که آیا به باور وی، شخصیتی مانند امام جعفر صادق (ع) یا کهنشانی از علوم و شاگردانی مانند جابر بن حَبّان؛ تنها برای یک نمونه از آنان، از این تفاوت نام های جغرافیایی آگاهی نداشتند؟

**و اما آذربایجان به چه معناست؟**

در فرهنگ واژگان (برهان قاطع – معین و دهخدا) آمده که «آتور پاتکان» مرکب از سه کلمه بوده است:

۱-آتور یا آذَر ۲-پات یا پای ۳-کان یا گان

که آتور و آذَر به معنای آتش می باشند و پات از مصدر پاییدن به معنی نگهداری کردن می آید و کان یا گان پسوند مکان است. یعنی سرزمینی که در آن از آتش به منظور افروختگی پیوسته، نگهائی می شده است و با توجه به باورداشت های زمان های دور در آذربایجان که آتش را عنصری مقدس و پاک شمرده و نگهداری مستمّر آن را از جمله وظایف مهم می دانستند، چگونگی اطلاق چنین نامی بر آن سرزمین آشکار می شود. یکی از بارزترین نشانه های آن دوران نیز اَشکدهٔ آذَرگنسب در آذربایجان غربی می باشد که به تخت سلیمان زبازند شده است. پس از حملهٔ اعراب به ایران و تصرف آذربایگان، اعراب آن را «آذربایجان» خواندند. مطالب دیگری هم دربارهٔ وجه تسمیهٔ آذربایجان در کتب تاریخ و فرهنگ ها آمده که در هیچ یک از آن ها کمترین اشاره ای به برگرفته شدن نام این سرزمین از قوم ترک نشده است.۴ رژیم باکو نیز واژهٔ آذربایجان را همه جا با ریشهٔ معنای واقعی آن به کار می برد. برای نمونه در همهٔ معرفی ها از بازی های المپیک اروپایی ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۵، باکو، عبارت سرزمین آتش «LAND OF FIRE» همراه نمادی از آتشدان زیر نام آذربایجان وجود دارد و ترکیب سرزمین آتش زیر نام آذربایجان در طی دوره ای که نام «واحد سیاسی» نامبرده شده بر پیراهن تیم باشگاه فوتبال ائلتیکومادرید اسپانیا قرار می گرفت دیده می‌شد.

**آذربایجان کجاست؟**

تاریخ آذربایجان به عنوان یک ناحیهٔ مشخص و دارای مرزهای سیاسی و جغرافیایی که شناسایی حدود آن خصوصاً در قسمت‌های شمالی در بعضی موارد باعث ارائهٔ نظرات مختلف شده است، بعد از حملهٔ اسکندر و حاکمیت و دستبندی آذربایجان، سردار ایرانی در آن جا، آغاز می‌شود.۵. تئوریت کوششی برای الحاق مستقیم قبایل البانی به قلمرو ماد به عمل نیابرد؛ بلکه سعی کرد ایشان خود را متحدان ماد اعلام کنند.۶. استاد پروداد نظری مشابه با نظر دیاکونوف ارائه کرده است: «در دوره شهرپاران آتورپاتگان، گاهی سرزمین فرمانروایی آن‌ها از مرزها گذشته، به خاک‌های همسایه کشیده می‌شد. بخشی از قفقاز کنونی که در پارینه، اران خوانده می‌شد و پایگاه آن پرتو – بردعه – بوده از همان خاک‌هایی است که گاهی شهرپاران آتورپاتگان در آنجا فرمانزگار بوده‌اند.۷. این ناحیه در دوره ساسانی نیز کماکان اهمیت خود را حفظ کرد و از نواحی سوق‌الجیشی ایران به شمار می‌رفت و از نظر سیاسی و اداری تابع آذربایجان بود.۸. وابستگی اداری ولایت البانیا به آتورپاتگان (آذربایجان)، بعد از استقرار تئوریت در این ناحیه و به ویژه در دوره ساسانی باعث شده که بعضی از محققان، جمهوری آذربایجان فعلی آران را در پیش از اسلام، جزوی از آذربایجان بشمارند.۹.

**آذربایجان شمالی خطرناک تر از آذربایجان!**

به تاریکی کاربرد واژهٔ آذربایجان شمالی همراه نوشتار معجول آزرپایجان در میان دسته ای از قوم گرایان پوششی، با دعوی اتحاد ناشی از واژهٔ آذربایجان شمالی برای کمک به بازگشت سرزمین های شمال ارس به ایران که متأسفانه سسته ای از میهن دوستان ایرانی را هم به خود جلب کرده است بیشتر دیده می‌شود. تنها کمی درنگ و اندیشه نیاز است تا دانسته شود که اگر به راستی هدف بازگشت سرزمین های جدا شده در پیش باشد، نخست باید نام های آن سرزمین‌ها به صورت پیش از جدا شدنشان اصاح شوند تا زمینهٔ هیچ گونه ادعای ارضی برای آینده باقی نماند. حال آنکه واژهٔ آذربایجان شمالی به رژیم حاکم بر باکو مشروعیت خواهد داد و زمینهٔ جدایی هدفمندی را که سازندگان چنین نوشتارهای معجول و مفاهیم نوظهوری با عنوان یکی شدن آذربایجان جنوبی یا آذربایجان شمالی، اندیال می‌کنند، فراهم خواهد کرد و این متقلبان مکار هزار رنگ به یاری چنین حربه‌هایی، اسان تر و بدون مقاومت میهن دوستان ناآگاه یا شتاب زده، سه هدف را یک جا می‌بینند؛ به نام جعل شده بر جمهوری باکو مشروعیت بخشند، در ادعای مبتنی بر یکی بودن تاریخی دو سوی ارس که ایرانیان آن‌ها را جدا کرده اند محق شوند و واحد سیاسی مستقلی پدید آید. بار تولد که خود سیاست مدار بوده و مدتی از عمرش در وزارت خارجهٔ روسیه سپری شده بود و احیاناً تعصبی هم بر برنامه‌ها و سیاست های آن دولت داشت؛ با این همه در مورد گذاردن نام آذربایجان بر قفقاز چنین گفته است:

«نام آذربایجان بر جمهوری آذربایجان از آن جهت انتخاب شد که گمان می‌رفت با برقراری جمهوری آذربایجان، آذربایجان ایران و جمهوری آذربایجان یکی شوند. نام آذربایجان از این نظر برگزیده شد. شگفت است که اران را اکنون آذربایجان می‌خوانند با آنکه آذربایگان نام سرزمین دیگری است که در پهلوی اران و بزرگتر و شناس تر از آن می‌باشد و از دیر زمان این دو سرزمین از هم جدا بوده و هیچ گاه نام آذربایجان بر اران گفته نشده‌است.»۱۰

**منابع:**

۱ – حموی بغدادی، شهابالدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله – معجم البلدان – ترجمه متزوی، علینقی، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۰. / ۲ – همان منبع. / ۳ – حموی بغدادی، شهابالدین ابوعبدالله یاقوت بن عبدالله – معجم البلدان – ترجمه متزوی، علینقی، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۷۱. / ۴ – هومان، کیکلویس، آران، نام آذربایجان ترک زبان، نه ترک زبان، برهنمد، تهران، ۱۳۸۵، صص ۶۵-۵ / ۵ – طلیعی، عزیز حدود و نفور مرزهای آذربایجان در دوران باستان، تارنمای ایران بوم، ۶۱ – همان منبع. / ۷ – پور داوود، ابراهیم، یسنل ج ۲، زیر نظر بهرامفره وش، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، صص ۱۴۲. / ۸ – منبع شمارهٔ ۵ / ۹ – منبع شمارهٔ ۵ / ۱۰ – عنایت‌الله، رضا، آذربایجان و اران، تهران، ۱۳۷۲.

محمل جانان بیوس، آنگه به زاری عرضه دار  
 کز فراقت سوختم ای مهربان فریاد رس  
 من که قول نامحان را خواندمی قول زباب  
 گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند بس

عشرت شبگیر کن، بی نوش گاندر راه عشق  
 شبروان را آشنایی‌هاست با میر عسّس  
 دل به زغبت می‌سپارد جان به چشم مست یار  
 گر چه هشیاران ندادند اختیار خود به‌کس

چاپ مصمیم

Vatanyoi.mag@gmail.com

دستخطی از نایب السلطنه عباس میرزا

## آذربایجان چشم پر نور ایران است و افتخار من



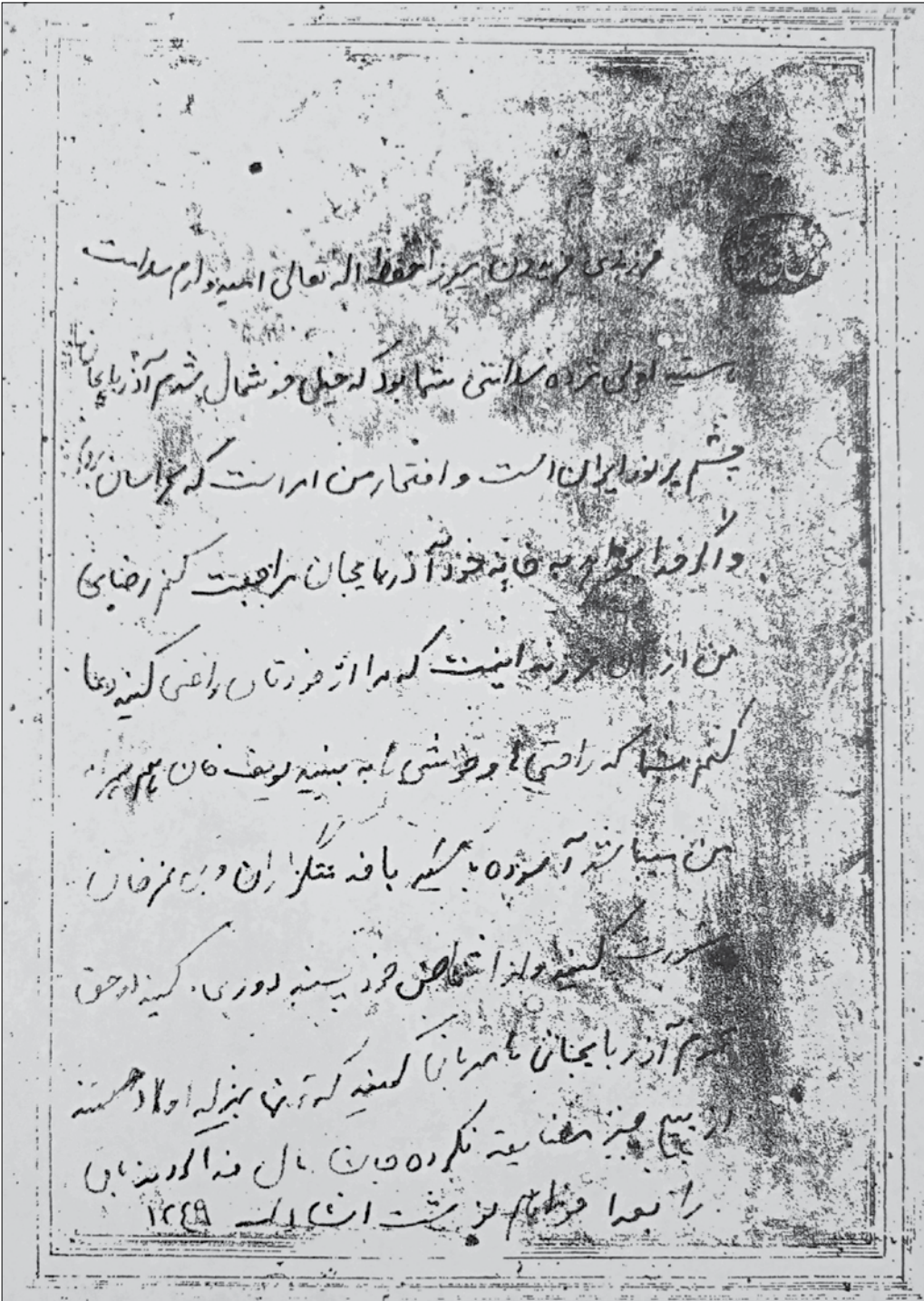
صادق حیدری‌نیا

پیش از آنکه جنگ‌های ایران و روس آغاز شود، ولیعهد قاجار (در آغاز فتحعلی‌شاه و سپس عباس میرزا) در تهران اقامت داشتند اما با شروع جنگ‌های ایران و روس، اقامت ولیعهد در ولایت آذربایجان ضرورت پیدا کرد. عباس میرزا که در ابتدای ولایتعهدی در کاخ نگارستان اقامت داشت، پیش از استقرار دائمی در تبریز، چند نوبت به این ولایت آمده بود اما برای حضور در جبهه‌های شمالی، فتحعلی شاه، میرزا بزرگ را به عنوان وزیر نایب‌السلطنه منصوب کرد و امور نیابت سلطنت و اداره دارالسلطنه تبریز را به او واگذار نمود. به این ترتیب عباس میرزا تا زمان مرگش در خراسان (۱۰ جمادی‌الثانی ۱۲۴۹ ه‍.ق) بیشتر عمر خود را در آذربایجان گذراند و جز برای جنگ‌های متعدد با روس یا مقابله با شورش‌ها در نقاط مختلفی همچون خراسان، کمتر ولایت آذربایجان را ترک کرد. حضور دائمی نایب‌السلطنه به ستنی پایدار در سلطنت قاجار بدل شد و بعدها هم تبریز موقعیت خود را به عنوان دارالسلطنه ولیعهدنشین، حفظ کرد. علاقه و تعلق عباس میرزا به ولایت آذربایجان و مردمان آن موجب شد که در مدت دوری از آذربایجان، به خصوص در ماه‌هایی که برای سامان دادن به اوضاع مرو و هرات در خراسان بود، طی چندین نامه به فرزندانش، بر رعایت اهل آذربایجان و رسیدگی به مسایل آن تأکید ویژه‌ای کند. تعبیری که او در این نامه‌ها – که به دستخط خودش نگاشته – به کار برده، عبارتی احساسی، غرورآفرین و نشانه‌ای از صافی و صداقت او نسبت به مردمان این دیار است. عباس میرزا در این دستخط‌ها به درستی از اهمیت آذربایجان و فداکاری اهالی آن صحبت کرده است.

**متن دستخط:**

فرزندی فریدون میرزا حفظه‌اله تعالی

امیدوارم سلامت باشید اولی مژده سلامت شما بود که خیلی خوشحال شدم. آذربایجان چشم پر نور ایران است و افتخار من. امر است که بخراسان بروم و اگر خدا بخواهد به خانه خود آذربایجان مراجعت کنم. رضای من از آن فرزند اینست که مرا از خودتان راضی کنیددعا به شما که راحتی‌ها و خوشی‌ها ببینید یوسف‌خان هم همراه من میباید آمده باشید. با خدمتگزاران بی‌غرضان مشورت کنید و از اشخاص خودپسند دوری کنید در حق مردم آذربایجان مهربانی کنید که آنها بمنزله اولاد هستند از هیچ خیر مضایقه نکرده جان مال فدا کردند باقی را بعدا خواهم نوشت انشاءالله. ۱۲۴۹

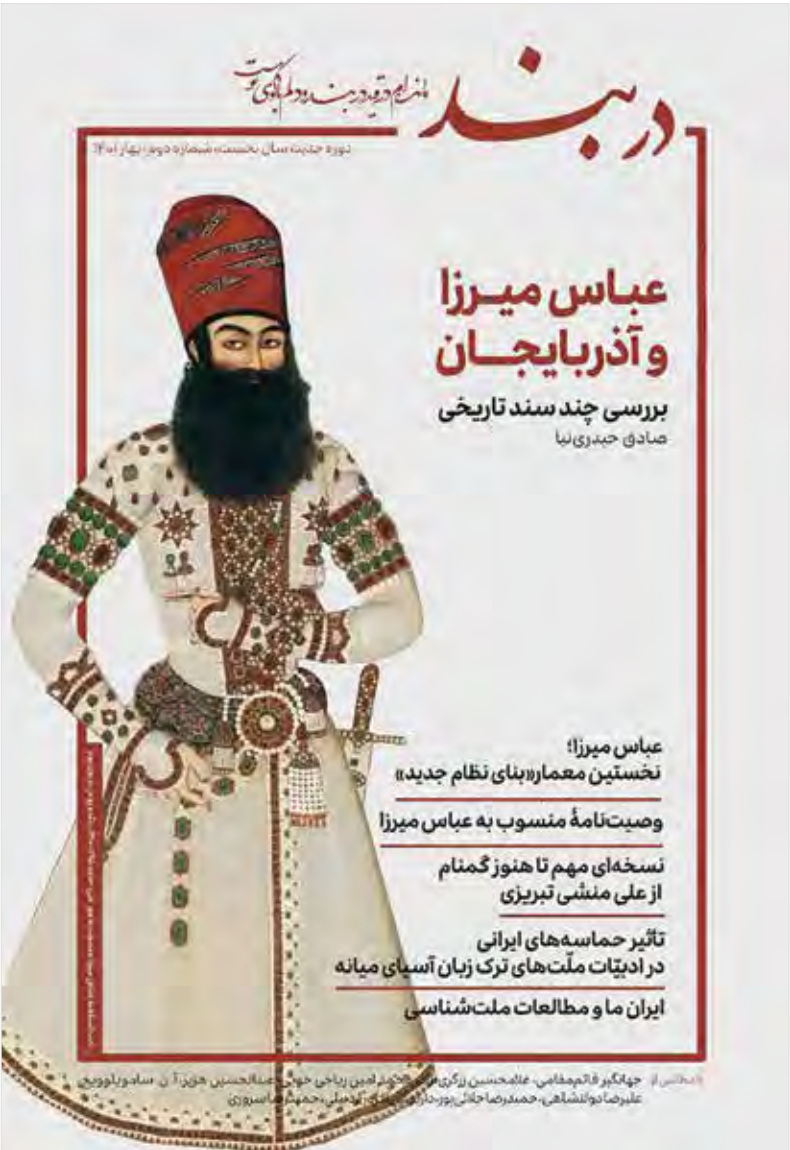


فراغتمه و کتابه و گوشه چمنه

## شماره دوم در بند منتشر شد

بر حوزه تمدنی و فرهنگی ایران است که به مدیرمسئولی و صاحب‌امتیازی «داوددشتبانی» منتشر می‌شود. پیش از این در بند به شکل دوماهنامه در سال‌های ۹۶ و ۹۷ منتشر شده بود و دوره جدید مجله در بند با همان سیاق و به شکل فصلنامه منتشر خواهد شد. شماره نخست دوماهنامه در بند به بررسی زندگی و اندیشه‌های حسین کاظم‌زاده‌ایرانشهراندیشمند و فعال مطبوعاتی دوران مشروطه اختصاص داشت که با استقبال اندیشمندان و مخاطبان روبرو شد. شماره دوم این نشریه به زندگی و آثار استاد محمدحسین شهریار پرداخت و پرده از تحریف آثار و اشعار این شاعر بزرگ معاصر توسط جریانات قوم‌گرا برداشت و شماره سوم

دومین شماره فصلنامه «در بند» (پاییز ۱۴۰۱)، با پرونده ویژه در مورد «عباس‌میرزا و آذربایجان»، منتشر شد. پرونده ویژه این شماره از در بند شامل مقالات «عباس میرزا؛ نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر» از دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد استاد یازنشته دانشگاه تهران، «عباس میرزا و آذربایجان» به قلم صادق حیدری‌نیا، «مکاتیب تاریخی: یک نامه تاریخی از عباس میرزا نایب السلطنه» به قلم محمد امین ریاحی خویی، «وصیت‌نامهٔ منسوب به عباس میرزا نایب‌السلطنه» از جهانگیر قائم‌مقامی و «در راه ولیعهدی عباس میرزا» از عبدالحسین هژیر است. «سسخای مهم تا هنوز گمنام از علی منشی تبریزی» از علیرضا دولتشاهی نیز به معرفی یک رساله ناشناخته سیاسی از دوره قاجار پرداخته است. «تأثیر حماسه‌های ایرانی در ادبیات ملت‌های ترک زبان آسیای میانه» نوشته آن‌سامولویویچ به کوشش و معرفی جعفر وتوقی و «بران ما و مطالعات ملت‌شناسی» از دکتر حمیدرضا جلائی‌پور سایر مقالات این شماره از در بند هستند. «دین مردم ایرستون» به قلم حامد کاظم زاده (ایرانشهر) به معرفی این قوم قفقازی و دین آنها پرداخته و «اوکراین، کشوری با نام ایرانی و با مردمی ایرانی‌تبار» به قلم دارپوش افروز اردبیلی نیز مقاله‌ای است که به تشابهات ظاهری نام‌های مناطق ایران و اوکراین می‌پردازد. «در بند» فصلنامه فرهنگی و تاریخی با تمرکز



## دشتبانی: سیاووش زمانه‌به‌دست دشمنان گشته خواهد شد!



روز یکشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۱ برنامه‌ی Azad Arena شبکه سحر آذری، از ساعت ۲۰:۳۰ تا ۲۱:۳۰ با حضور داود دشتبانی و برهان حشمتی به صورت زنده برای مردم جمهوری آذربایجان پخش شد و در نشانی اینترنتی شبکه سحر نیز آرشیو شد و در نشانی زیر در دسترس است: [https://azeri.sahartv.ir/tv/programs-it۹۴۹۹۶-azad\\_arena\\_۱۳\\_۱۱\\_۲۰۲۲](https://azeri.sahartv.ir/tv/programs-it۹۴۹۹۶-azad_arena_۱۳_۱۱_۲۰۲۲)

داود دشتبانی، کارشناس تاریخ و مسایل قفقاز و مدیر ماهنامه وطن یولی و فصلنامه در بند گفت: «جمهوری آذربایجان به مثابه سیاووش زمانه، از پدر فرار کرده و به دامن دشمن پناه برده است، اما مناسفانه دشمنان ایران، سیاووش زمانه، جمهوری آذربایجان را به قتل خواهد رساند!» دشتبانی در برنامه آزاد آرنا شبکه جهانی سحر گفت : «محمد امین رسول زاده که به عنوان مؤسس جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۱۸ معرفی می شود، این جمهوری را به سیاووش زمانه تشبیه می کرد که تشبیه جالب و عجیبی است. سیاووش که فرزند کیکاووس، پادشاه ایران زمین بود و به علت دلخوری از پدر، به افراسیاب ، حاکم توران پناه برد و حتی افراسیاب دختر خود را به عقد سیاووش در آورد، نهایتاً خود افراسیاب به طرز فجیعی سیاووش را کشت و اکنون نیز حاکمیت جمهوری آذربایجان شباهت عجیبی به سیاوش دارد. حاکمیت جمهوری آذربایجان که ایران به مثابه پدري دلسوز ، آن را به عنوان دولتی مستقل به رسمیت شناخته و همواره مورد حمایت قرار داده است، به دشمنان ایران، به پان ترک‌یسم و صهیونیسم و انگلیس و آمریکا پناه برده است و زیر چتر آنها قرار گرفته است، نهایتاً توسط همان دشمنان به قتل خواهد رسید.»

دشتبانی گفت : «ایران با احترامی و ارزشی که برای مردم جمهوری آذربایجان و دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در آنجا قائل است، در مقابل تمامی خیانت‌ها و توهین‌ها و بدی‌هایی که حاکمیت باکو به ایران کرده است، همچنان به حمایت از مردم جمهوری آذربایجان ادامه خواهد داد و تلاش خواهد کرد که اجازه ندهد این سیاووش زمانه ما که به دشمنان پناه برده و به دست دشمنان افتاده است، باز هم به طرز فجیعی به قتل برسد. ایران برخلاف دوستان امروزی باکو که به خاطر دلارهای نفتی سریع باکو آمده اند اما ایران در روزهای سختی به داد مردم جمهوری آذربایجان رسید. در دهه ۹۰ میلادی که ارمنستان با حمایت روسیه قریباغ را گرفت و بدون هیچ مانعی پیش روی می کرد این رزمندگان ایران بودند که به داد آنها رسیدند و مانع پیشروی ارمنه شدند و کمیته امداد ایران بود که اورگان قریباغ را پناه داد اما امروز ترکیه و اسرائیل و انگلیس برای فروش سلاح هایشان به باکو آمده اند و در حالی که مردم جمهوری آذربایجان در فلاکت و فقر و بیچارگی هستند علی اف میلیاردها دلار پول نفت را صرف خرید سلاح می کند. این سلاح‌ها چه مصرفی برای مردم آذربایجان دارند؟ وقتی مردم گرسنه هستند چرا باید این همه پول صرف خرید سلاح بشود؟ اردوغان و اسرائیل که باکو را به سمت دشمنی با ایران هدایت می کنند دلسوز باکو نیستند و به علی اف و باکو آسیب خواهند زند آنها علی اف را ابزار کرده‌اند تا دشمنی خود با ایران را نشان بدهند و علی‌اف اراده ای از خودش ندارد.

دشتبانی با اشاره به سخنان مداخله جوانه الهام علی اف درباره آذری‌ها ایران اظهار داشت: ما آذری‌ها مالک ایران و ایران وطن اصلی آذری‌هاست. رهبر ما در ایران آذری است و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح سرلشکر باقری نیز تبریزی و آذری است.الهام علی اف از چه چیزی سخن می‌گوید؟ دو اثر هنری مهم زبان آذری نه در باکو بلکه در ایران متولد شده‌اند. حیدربیای استاد شهریار در ایران سروده شده و ترانه معروف آریلیق نیز که صدها خواننده آذربایجانی آن را بازخوانی کرده اولین بار توسط فرهاد ابراهیمی شاعر اردبیلی سروده شد و برای نخستین بار در رادیو تهران اجرا شد و بعدها رشید بهبوداف آن را بازخوانی کرد. بنابراین زبان ما در ایران آندکز آزادی داشته که توانسته بهترین آثار زبان آذری را خلق کند. در ایران زبان آذری کاملاً آزاد است و کتاب و مقاله و نشریه به این زبان منتشر می شود و هر استان رادیو و تلویزیون به زبان آذری دارد و الهام علی اف نمی‌داند از چه چیزی سخن می‌گوید.

در برنامه آزاد آرنا شبکه جهانی سحر، برهان حشمتی، کارشناس مسایل قفقاز نیز گفت برغم حمایت‌های همیشگی ایران از مردم جمهوری آذربایجان، دیگر بر خیانت‌های باکو به ایران چشم پوشی و اغماض نخواهد شد و گرچه براساس فرهنگ رفتاری ایرانیان و حاملان تمدن کهن ایرانی، مقامات و رسانه‌های ایرانی، واکنش‌هایی در سطح و متقارن با توهین‌ها و جسارت‌های مقامات و رسانه‌های باکو از خود نشان نمی‌دهند، این حرکت‌ها و توهین‌ها و نیز اقدامات ضد ایرانی باکو به حساب آنها نوشته می‌شود و نهایتاً به موقع به این حساب‌ها رسیدگی خواهد شد.«حشمتی گفت : تصور الهام علی اف و باکو مبنی بر اینکه بخشی از آذری‌های ایران را می‌توانند به عنوان ابزار سیاست‌های خود استثمار کنند، تصویری نادرست و موهوم است و بهتر است باکو خود را با این تصور فریب ندهد. عناصر فریب‌خورده باکو صرفاً همان انگشت شمار افراد فاسد و خودفروخته‌ای هستند که در لجن پراکنی رسانه‌های باکو ضد ایران مشارکت می‌کنند و در صحنه واقعی جامعه در آذربایجان چنین عناصری برای خدمت به مقاصد باکو وجود ندارند. باکو در دوره اخیر حرکت‌های ایذایی و اغتشاشی دشمنان ایران، تمامی توان خود را به کار گرفت که اغتشاش‌ها و خرابکاری‌هایی را در آذربایجان و بخصوص در تبریز و اردبیل و ارومیه و سایر شهرهای آذربایجان ایجاد کند که از قضا، برغم هر نقطه دیگری از ایران، در آذربایجان کوچکترین حرکت اغتشاشی شکل نگرفت و همین نیز نشان داد که سرمایه‌گذاری و دسیسه‌های باکو برای استفاده ابزاری از آذری‌های ایران، آب در هاون کوبیدن و بی‌ثمر است و باکو صرفاً خود را خسته می‌کند. مشاهدات نشان می‌داد که در همین مدت، پروازهای نظامی مسیر تل اویو – باکو – اربیل که از مراکز توطئه و تدارکات اغتشاشگران و تروریست‌ها بوده، نشان داد یافت و از این مسیر به تروریست‌ها و عوامل خرابکاری در ایران سلاح و لوازم خرابکاری رسانده می‌شد. همچنین دستگیری عامل هماهنگ‌کننده حرکت تروریستی در حرم شاهچراغ در شیراز که از وهابی‌ها و تروریست‌های جمهوری آذربایجان است و قطعاً سازمان امنیت دولتی باکو نیز از تردد او و سایر هم تیمی‌های تروریستش از فرودگاه باکو به ایران برای عملیات تروریستی آگاه بوده است، نشان داد که باکو در خصومت ورزی با ایران صرفاً به تبلیغات و تحریک عناصر به اصطلاح تجزیه‌طلب و قومیت‌گرای خود اکتفا نمی‌کند و در صحنه عملی نیز خصومت ورزی با ایران را دنبال می‌کند. به همین علت به نظر نمی‌رسد که در آینده ایران گذشتی در مقابل این رویکرد باکو نشان بدهد.